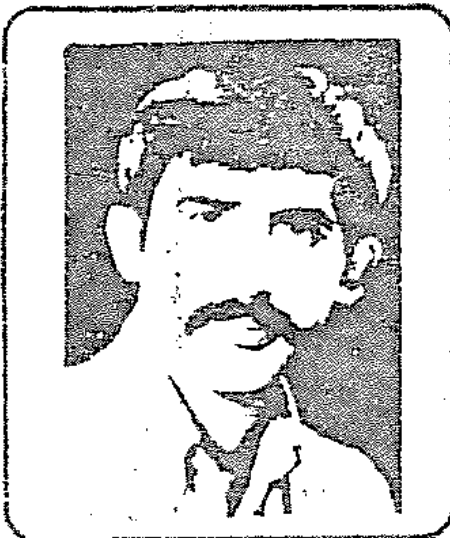


# حقیقت

شماره ۴۴۹ ۵ آبان ۱۳۵۹

## زندگی اش کوتاه ولی پرنهر بود!



بیاد رفیق شپید  
محمود گرگپور  
که در راه انقلاب و  
میهن جان باخت!  
صفحه ۵

## مروری بر جبهه آبادان، اهواز خرمشهر

## کدامین راه؟

سیاست حاکم موجود در شهری جنگ  
و شیوه‌ای که به پیش برده میشود،  
نه عراق قادر است اهداف مشخص  
بفیه در صفحه ۳

جنگ بغداد از یکماه پسند  
اصطلاح به "بسی است" رسیده  
است. این "بسی است" بمعنای  
آست که با شرایط موجود و بسا

بود کمرت و مردم شهر متحد آبی  
ماحتن سنگر و خندق رفتند  
به جمع آوری نظری و سزین  
بفیه در صفحه ۲

آبادان از همان  
روا اول کشیده  
شدن جنگ پسند  
حوالی آبادان - خرمشهر، دند  
جاصبت از حکومت جنگ  
تحصیلی و تجاوزکارانه عراق  
و آمادگی جهت مقابله بسا  
تجاوزکاران یعنی بود. پس  
از پرتاب چند خمپاره و راکت  
از سوی نیروهای رسمی و هوک  
شی یعنی ها در پالایشگاه و مخازن  
نفت و پمپخانه نیروی خانه ضای  
مردم، کعبه کشته شدن عده‌ای  
در نقاط مختلف شهر مجرشد،  
جنگ در ادهان عموم صورت جدی

## آیا شوروی در قبال جنگ کنونی بیطرف است؟

نقشه امپریالیسم آمریکا برای  
سرکوب انقلاب و تحصیل بیسک  
رژیم دست نشانده و فاشیستی در  
کشور ما بوده و هست. طبق این  
نقشه (که به طرح برزیسکی  
معروفیت دارد) حکومت مزدور  
بعث بسپانه دعای شورونیمتی  
خود باید بخشی از خاک ایران  
یعنی حوزستان و کرمانشاهان  
را در جریان یک تهاجم گسترده  
ناگهانی به تصرف در آورده و در  
پناه قدرت آتش خویش رمیسه  
تشکیل حکومت پوتالیسی دارو  
دسته‌های فراری ارتجاع  
بفیه در صفحه ۴

کارانه‌ای که رژیم دوربعث  
عراق بر علیه ملت ما برانداخت  
از جمله مواضع دیپلماسی  
تیک خیرخواهانه کرملین در  
تسال زمانداران بغداد در این  
جنگ، بار دیگر ماهیت رقابت  
های دودولت جهان حواری آمریکا  
و شوروی را برای ایرانیان بر  
ملا ساخت. زیرا تجاوز عراق  
به ایران و تقاضای که مردوران  
حاکم در بغداد درستیانی وهم  
کاری کامل با دارو دسته‌های  
شاه پرست و سوکران آمریکا از  
این جنگ تجاوزکارانه دنبال  
میکنند برای ایسین بخشی از

پشتیبانی نظامی وسیله  
سی روسیه، شوروی از جنگ تجاوز

## پیرامون مواضع مجاهدین و نشریات فریادگودنشین و بازوی انقلاب در قبال جنگ کنونی

تداوم نیروهای سیاسی  
بفیه در صفحه ۸

تجاوز بسپانه مزدوران  
سختی به خاک میهن ما موجب

علیه ملت ما توسط این عنصر  
منه کروا یا دینش صورت میگیرد  
مغرب اهالی را از وی وهم  
نظاره و همچنین از حربه  
جمهوری ملای سنت افراش  
داد. قابل ذکر است این افراد

## مروری بر جنبه...

از صفحه اول  
جماعت دارو "مسلمان" دوا شده  
به کلام مدت کرمش بیمار اینها  
وحشیانه عراق، نخستین  
کنایه بود که هول برتسل  
داشته و ارتش پیا پی بر سر آمدند.  
بطور کلی رادیو آبادان همچنان  
معانی را علیه نیروهای چپ  
و همچنین مجاهدین سازمان میکند.  
لیکن بوده، مردم که پیش آنها  
را در کارهای امدادی، حفر  
حدیها و تونل ها و سربندی و  
سربندی دشمن متجاوزان شده  
میکنند توجهی به این با و کوب  
شی ها نداشته و چون پیمان  
بر شهرهای حوزستان به هیچ رو  
باب طبع حمرات احما را طلب  
و منته جو میباشند. حتی تعداد  
روزا مروی اریا سداران انقلاب  
هم نظرات نسبت به حضرات و  
تلیقات ارتحاعشان بر کشته  
و از با است این تعرفه افکنی ها  
ابرازا حرسدی وانزاجار می-  
کنند.

پایان هفته سوم جنگ  
( ۲۱ مهر ) ، سپاهیان مزدور  
عراقی موفق شده بودند که از  
رودخانه کارون عبور کنند و  
سنت اهواز حرکت کنند. که در  
پی آن درگیری شدیدی در  
آبادان و خرمشهر روی داد.  
برای همین روز ۲۲ مهر رادیو  
آبادان به همه مردم شهر اعلام  
آماده باش داده بود. همپای  
داران وهم مردم از کم کم کاری  
ارتش خیلی متعزم و نااحتند.  
همچنین مردم از بی برنامه کسی  
و مزاجتها شی که در راه تسلیم  
آنها میشود عیبانی اند.

در میان گروههای انقلابی  
یا چپ به جز اتحادیه کمونیستها  
و مجاهدین خلق بنظر میرسد که

و نفعی و روغن سوخته و غیره  
پراستند برای ساختن کوکتل  
و غیره. در این روزها روحیه  
اهالی بسیار بالا و حس همکاری  
در بین مردم بی نظیر بود. تنها  
هفته دوم جنگ ( ۲ و ۸ مهر  
ماه ) شدت بمباران هوایی  
وحشیانه عراق بیرونی خانه ها  
و محلات مسکونی، که باعث  
کشته و زخمی شدن تعداد زیادی  
گردید. مقداری هول و هراس  
ایجاد کرد. و در نتیجه بتدریج  
خانواده های شهر را ترک  
گفتند. لیکن جوانان و مردان  
نی از ایشان در شهر باقی ماندند.  
که روحیه بالای خود را حفظ  
کرده و می گفتند که: ما ماندم  
رسی مانیم تا از شهرمان در مقام  
بیتجا و زیمت عراق دفاع  
کنیم. البته مهاجرت از شهر  
بیشتر در مناطق مرفه نشین  
صورت گرفته است. بطور مطلق  
بریم. بوارده و بارک آریا که  
کاملا خالی از سکنه شده اند. در  
واقع زمینکنان شهرند که به  
همراه جوانان باقی مانده و از  
شهر قاطعانه دفاع میکنند.

در هفته اول هادی عفار،  
فتنه گر معروف، که همراه بسا  
بسی مدربه آبادان آمده بود از  
همان قدم اول بنای فتنه را  
گذاشت و در رادیو علیه با مطلق  
خلقها شعار داد و به تعرفه افکنی  
پرداخت. نتیجه اینکه راینکه  
عده ای از جما قدرها به برخی  
از سنگرهای شهر، که آنها را از  
آن کمونیستها و عنا صریب می-  
دانستند، حمله کرده و چند تانی  
را خراب کردند. ولی ایسین  
عملیات شیع خائنه، که در  
وسط جنگ نجا و زکارانه است

با سداران بوده است. ما این  
حال در جریان حملات ارتش  
مزدور عراق به خرمشهر در روزهای  
نهم و دهم مهر ما به افشار خود مردم  
مقداری سلاح سبک بدست آریا  
افنا دو توده های زحمتکش خرم-  
شهر همراه با گروههای آریا-  
داران و اعضای گروههای انقلابی  
بی و کمونیستی فیرمانا به سا  
تانک و توپ دشمن جنکیده و سا  
تصرف تعداد زیادی از تانکهای  
دشمن و یا تخریب و به آتش کشیدن  
آنها شهر را از لوث وجود مردوران  
عراقی پاک کردند. لازم به ذکر  
است که در جریان جنگ قهرمانان  
مانند مردم خرمشهر به هیچ رو  
احدی از افراد جدا قرار با مطلق  
" حزب الهی " ، این " مسلمان-  
نان " دوا شده که امثال بهشتی  
ها و آیت ها بلند کوبشان هستند.  
حضور نداشته اند، بلکه این افراد  
که همه شناخته شده اند در همان  
هفته اول کسترش جنگ فرار را  
برقرار ترجیح داده و کورشان  
را کم کردند.

اوضاع نیروی زمینی در  
خرمشهر متاسفانه بسیار اسفناک  
بوده و بی برنامه گی و هرج و مرج  
در آن حکم فرماست و اغلب کاری  
صورت نمیدهند. بطوریکه مردم  
شهر، با سداران و خود سربازان  
از این مابست بسیار ناراحت و  
خشمگینند. قطعا تعدادی از  
فرماندهان ارتش عامدان به  
کارشکنی مشغولند و به مسائل  
تدارکاتی و همچنین ارسال به  
موقع مهمات و وسائل سنگین  
جنگی مانند توپ و تانک و غیره  
نمیرسند. همین امر سوءظن  
زیادی را در میان مردم وجود  
سربازان بوجود آورده و انگیز  
دلگرمی های مردم و رشادت و  
قهرمانی جوانان شهری و هم  
چنین از جان گذشتگی با سداران  
نبودن نقش بسیار مخربی میتواند  
نست ایفاء کند. البته یکی از  
کردارهای ارتش در خرمشهر نام  
کردان ۱۵۱ دژ تانکی توانست  
با تانکهای در برابر حملات  
بیتابی مزدوران بهشتی است  
نقیه در صفحه ۶

شرکت در مبارزات شده چندان  
مسئله با بر گروهها نمیشناسند.  
عده ای از طرفداران " پییکار "  
و " رزمندگان " در باره ای محلات  
هستند، که اغلب بر اثر خط متی  
احراقی سازمانها بیان وی-  
برنامه کی منفعل عمل میکنند  
ولیکن برخی شان طبق برنامه  
و رهسودی خلافت گفته و سا گفته.  
ریشری های شان مشمول فعالیت  
و مبارزه اند. ( چنانکه فسلادر  
" حقیقت " آمده بود در روزهای  
اول تهاجم عراق به کروه " پی-  
کار " ، " رزمندگان " و " راه کار-  
گر " ، مشترکاتک سناد با مطلق  
مستقل در این شهر زده بودند که  
که با تسمخرو مخالفت کارگران  
روبرو شد و جمع کردند و رفتند.  
در یکی از کمپنه های مقاومت  
سدادی از طرفداران " پییکار "  
و " رزمندگان " و... قصد چپ  
ساشی و ناسازگاری داشتند.  
که خود بخود منفرد شده و بی کار  
رستند.

## خوشه شهر

امروز کا سلا  
بیک در جنگی  
تبدیل شده است و جوانان انقلابی  
سلاح شهر و با سداران بر آنجا  
حکومت میکنند. شهر را سرب  
سنگربندی شده و در خیابانها خند  
و تونل حفر شده و روحیه ها قسوی  
است. البته تعداد زیادی از  
خانواده های خرمشهری شهر را  
ترک گفته اند، که این مسئله  
کمتر در محلات کارگری و فقیر  
نشین بچشم میخورد. علت عمده  
ترک شهر توسط مردم، بجز افشار  
مرفه و سرمایه دار که بهر حال در  
هر جنگی حفظ جان و مال خود را  
بر حفظ آرمات و کشور ترجیح می  
دهند، بی برنامه گی مقامات  
کشوری و استان میباشد. آنها  
مردم را در زیر باران گلوله های  
دشمن بحال خود رها کرده و هیچ  
کاری در جهت شکل و تسلیم  
مردم و ایجاد وسائل ایمنی و  
دفاعی با اتکاء به اهالی شهر  
انجام میدهند، و هر چه تا کنون  
شده است با اینکار خود جوانان  
انقلابی شهر و همچنین تا حدی

## گداهمین راه

کامل سروهای سجاورگرمسی  
 بحاطراسس که اسرروی مادی  
 کافی برای انجام این امرمهم  
 سرچوردارسم؟ و اما سکه  
 از نیروی مادی واقعی و معنی  
 کسده در جنگ استناد مسمی -

عناصراصفه اول

تعلق بخشد. و نه ایران "قادر"  
 است تا نیروهای تجا و زگر عراق  
 تی را از خاک خود اخراج کند.  
 جنگ بحالت "ایستایی" در  
 آمده است. پیشرفت محوسمی  
 بغور کیفی در هیچ یک از جبهه  
 های اصلی جنگ، بخصوص در  
 جبهه آبادان - خرمشهر دیده  
 نمی شود. چنین بنظر میرسد که  
 ارتش تجا و زگر عراق قصد ورود  
 به شهرها را ندارد. و فقط  
 هیتلر ما با نه آنها را هدف بسبب  
 باران خمپاره ها و توپهای خمسه  
 خمسه فوشر قرار داده است. چرا  
 که اگر خراب کند و بخواد هتیرها  
 را کاملاً به تخیر خود در آورد.  
 در آن صورت دیگر این آنس  
 توپخانه و تانک نیست که سرخو-  
 شت جنگ را "تعیین" میکنند.  
 بلکه جنگ خیابانی شهری جنگ  
 پارتیزانی نوده های مسلح و  
 نوده ها خواهند بود که تعیین  
 کننده اصلی سرخوشت جنگ  
 خواهند بود. جنگ به "بن بست"  
 رسیده است چون از یکسوارشش  
 تجا و زگر بست نمیخواهد با وارد  
 شدن کامل در شهرها خود را درگیر  
 جنگ نوده های مردم مسلح کند و  
 تا زمانی که شهرها به "تخیر"  
 در نیامده اند محنت از "بیرونی"  
 حتی بطور نسبی هم بی معنی  
 است. و از سوی دیگر با سیاب  
 "اتکاء بر ارتش" که سر رهبری  
 جنگ از سوی ایران حاکم است  
 قادر نیست که نیروهای سجا و زگر  
 گوعرای را از خاک کشور اخراج  
 کند. حکم مادی معیابه "بن  
 بست" کشده شده است.

ولی آیه "بن بست"  
 رسیدن جنگ، "عدم قدرت و  
 سواناشی" ایران برای اخراج

مادی نه در نا سکها و توپها،  
 بلکه در نوده های مردم میمركز  
 کرده است. این "دوبیاست"  
 در مقابل سکه دیگر فرار گرفته -  
 است!

نخره، بکما هه، جنگ  
 ورشکستگی ساست اول و درستی  
 ساست دوم را بوضوح ثابت  
 کرده است! این ارتش نسود  
 که ما نا سکها و توپها بسش (از  
 حاسهای می نرمانه های که  
 برخی از فرماندهان ارتشی  
 مرتکب شدند، سکه دریم) جلوی  
 بیرونی ارتش تجا و زگر و در  
 خدمت امیرالیمبعث را گرفت-  
 نت. در مواقع حاس و تعیین  
 کننده فقط شپامت و رشادت  
 سوده های مردم، پاسداران  
 ، اعضای سنج و سربسازان  
 میهن پرست بوده است که سسا  
 سگ نریس و ساده ترین سله ها  
 چون ز - ۳ و کوکتل مولوتوف  
 و سراضی پشرونی متجا و ریس  
 یعنی را سکه کرده اند. به تجربه  
 حرمشهر و آبادان نگاه مسمی  
 بیندارید تا ببینید که مسمی  
 بیاست و کد امین راه بیرونی  
 آفرین است و خرمشهر را بسسه  
 حوسین شهر بدل میکند!

همه امیرالیمبعثها از  
 این میهراسند که جنگ از سوی  
 ایران حطت یک جنگ نوده ای  
 بخود بگیرد. و ارتش تجا و زگر  
 عراق عملاً از درگیری با شخوشت  
 های نوده ای مسلح اجتناب  
 میورزد و بدین منظور هیتلر  
 ما با نه روی آتش شوپخانه  
 و موشکهای خود برای کوسیدن  
 شهرها و با اصطلاح "تظهِیسف"  
 روحیه مردم مشغول است. و  
 بیاست غالب بر جنگ نرساز  
 بر اها انداختن یک جنگ نوده -  
 ای هراسناک است، و در حقیقت  
 و در نهایت دست دشمنسان را  
 بازی میکند. از مسلح کردن  
 نوده مردم خودداری میکند.  
 از اینکه نوده مردم از انقلاب  
 و میهن خود دفاع کنند بیسم  
 دارد و از آن جلو میگیرد چسبون  
 خود را تسلیم مردم میهراسد.  
 نتیجه این بیاست ورشکسته

در نهایت هم بنا بودی انقلاب  
 و هم بنا بودی پیش برندگان این  
 سیاست خواهد بود. بیستیدیک  
 جوان اهوازی انقلابی چگونه  
 این اوضاع جنگی را ارزیابی  
 میکند:

"... امروز صبح سسا  
 جوانی که بیگانش را در صفت  
 سربس گذاشته بود سربس به  
 گیرده شهر را ( اهوازا ) ترک  
 کند صحبت می کردم. بدون ذره -  
 بی و اشعه محش میداد و ارمالانا  
 پائین را سیکمت مارا گت بسته.  
 دست و پایمان را در رجسیر  
 گذاشته اند و گذاشته اند جلوی  
 شوپ بعضی ها... میگفت چند  
 بیس مار به یاد از... مراجعه  
 کرده ام، میگویم برادر مگر سه  
 این است که من مال این شهرم،  
 من میخوامم ارتش مردم دفاع کنم.  
 خانه ام را میدانید، کنار مرا  
 میدانید. شناسنامه ام را به  
 گیرید. سند خانه ام را بگیرید.  
 یک تفنگ به من بدهید. رسیدن  
 راهم بگیرد و بگذارید من از  
 خودم و برادرم دفاع کنم. از  
 شهرم دفاع کنم. اما نمی دهند  
 ... وقتی هیچ کاری برای  
 دفاع از شهرم نمیتوانم بکنم!  
 چرا با منم تا خمپاره تکه تکه ام  
 کند؟ آیا کسانی که نوده ها را  
 مسلح نمیکنند، به سیاست  
 هیتلر ما با نه اشاره بعضی  
 کمک نمی کنند؟ به نمونه ای  
 دیگر از همین اهوازی توجه کنید:  
 " یکی از مردان محل میگفت  
 که سراج پاسداران رفته است  
 و گفته که لا اقل یک تفنگ به من  
 بدهید که وقتی عراقیها آمدند  
 و به خانه ام تجاوز نمودند، آنها  
 که چیزی سرشان نمیشود ممکن  
 است قصد تجاوز به ناموس زنم  
 را داشته باشند. ما این تفنگ  
 در درجه اول بتوانم آنها را  
 بکشم و وقتی تیرها بم تمام شد  
 زنم وجودم را بکشم تا این سنگ  
 گریبانم را بگیرد، ولی جواب  
 مثبتی نمی شنود." ( هر دو  
 نمونه از گزارشات عینی خبر-  
 نگاران ما زمان ما ) آقایان  
 بقیه در صفحه ۱۳

# آیا شوروی ...

نخستین شماره اول

خاک ما دارد ایست که حکومت ایران برای با مصلاح بحالت خود از شر این جنگ تخریبی سه همسایه قدرتمند شمالی خود متوسل شود و در ازاء کمک تبلیغاتی و حمایت سیاسی و

سلطنتی و هندستان داخشیان را فراهم میساخت. سپس این حکومت پوئالی با بریتانیا خفته شدنش توسط بکرشده دول ارتجاعی و امپریالیستی و سایشیانی نظامی ایسن دول با بدحکمت داخلی مرتجعانهای را شیوه تراکوی فاشیست در اسپانیا علیه انقلاب و اساس رژیم جمهوری در کشورها آغاز میگردد.

ولی دولت امپریالیستی روس نیز که دارای مواضع محکمی در اقتصاد و ارتش و هیئت حاکمه عراق بوده و هست در برابر خود شدن این جنگ ماضعی را برای خویش تشخیص داد. زیرا شوروی ها که با حضور اقتضای، نظامی و داشتن آبادی خود در حکومت عراق نمیتوانند از مقام مدیعی ها و هندستان ایرانستان در عراق بی اطلاع باشند، از مدتها قبل و همانند آمریکا به قصد انقلاب حاکم بر عراق بعنوان وسیله ای برای اعمال فشار بر حکومت شویای خمینی، مینگرستانه اند. تپانی و زدوبندهای میان دارو دسته های قاسلموور غنی بلوریان با حزب مزدور بعثت عراق، که تا این اواخر بنام و احزاب دموکرات کردستان و اکنون بنام جناحهای مختلف همان حزب برای پیشبرد مظاهر امپریالیسم روس در غرب ایران حورقیمی میکنند، نمیتوانند بدون اطلاع و توافق اربابان روسی شان، این مسلح کنندگان رژیم سفاک بغداد، صورت گرفته باشد. انتظار حدائقی که دولت شوروی از ما - جراحی نظامی رژیم بغداد در

ندمی خود را به کشور ما بطور کامل هموار و برای خود را در این کشور محکم گردانند. طبیعتی است که به مجرد کشیده شدن این امکان و اطمینان به آن، دولت بسه اصلاح فدا سپریا لیسن روس کا ملا آماده است که از مواضع با مصلاح بی طرفی کاذب کنونی خویش دست کشیده و از مصالح خود در عراق در شمال لقمه بسیار چربتر ایران موقتاً صرف نظر کند. بیپوده نیست که دولت جهانخوار، یعنی آمریکا و شوروی، که مدتی بر اثر مسئله افغانستان راه قهر با یکدیگر را در پیش گرفته نشستن در کنار یکدیگر را تحریم میکردند - مجرد برافروخته شدن آتش جنگ تجا و زکارانه عراق علیه ایران نورا برگزاری شست عصب استفاده سالت را تجدید کرده و از زبان وزیر امور خارجه خود در نیویورک متفقاً "بی طرفی" "عدم مداخلت" خود را در جنگ ایران و عراق اعلام میکنند، یعنی تلویحاً رها بخت خود را از بروز چنین جنگی بدست یک دیگر میسازند.

بلاوه همانطور که پیشتر متذکر شده ایم دولت شوروی در گسترش جنگ تجا و زکارانه عراق در غرب و جنوب کشور ما یک رفاقت دیگری هم دارد. آن تحت الشعاع قرار گرفتن مجرای اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی در سطح بین المللی است. اکنون تجا و زکساران شوروی تحت پوشش عربده های مدام حسین در غرب کشور ما انتظار آن در سطح جهانی با خیال راحت جنگ استعماری خود را در افغانستان با دمیر - ندوبه تصور خود صدای آزادی - خواهانان ملت قهرمان افغان - ستان را در انزوا حقه میسازند. بیپوده خبر ده که دولت اشغالگر روس تقریباً در آستانه تجا و ارتش مزدور بعثت به خاک ایران بر تعداد فوای اشغالگر خود در افغانستان تا دوسرا بر

ارود و از رژیمهای تحکیم

الحما به خود در بین جنوبی، کوبا و ویتنام، که هم شیوه نا - جواسر دانه ای به انقلابات کشور خویش خیانت ورزیده اند. برای همکاری در سرکوب جنبش آزادیبخش مردم افغانستان یاری طلبید.

حرکت بیوزات هم مدو دولت شوروی و آمریکا، که آنها را میتوان دو قدرت شمال و جنوب کشور ما نامید، در قبال جنگ عراق با ایران واقعا "جالب توجه است و نمونه کلاسیکی از چشم و هم چشمی دول استعماری سطره جورا که بسه حکومتیای کشورهای واپس مانده و "ضیف"، اعم از مستقل یا وابسته، بعنوان سپر هاشی بر صحنه نظرنج میگردند، به دست میدهد. دولت شوروی در هتده اول تجا و عراق به ایران به موازات رمت و آمده های فرستادگان آمریکا و تماسهای بنیانی آمریکا با عراق، هیئت اعزامی صدام حسین را میسیدیرد و برای ایجاد تسهیلات سیاسی نظامی خود با عراق یک هیئت نظامی به اردن آمریکا شسی اعزام میکند. همه میدانند که اردن در این زمان به پشتکسای نظامی عراق تبدیل شده بود و رژیم مزدور بغداد به استغاه از سرودگا های نظامی این کشور و همچنین دریافت محمولات نظامی خویش از راه بندر عقبه، که از شوروی و دول اروپسای شرقی برایشان ارسال میگفت، ناچار شده بود. البته دیپلما - تپای روس و نوکران شوروی در ایران چاره ای جز این که اخبار مربوط به کمک تبلیغاتی دولت متبوع خود را به عراق کسذب محض و تبلیغات خبرگزاری های امپریالیستی غرب قلمداد کنند ندارند. آنها شاید انتظار دارند که مردم ما این اخبار را تنها اربابان سحنگویان دولت شوروی، که هرگز در باره مدام - حنه نا جوان مردانه خویش در این جنگ اعتراف نخواهند

ندیده در صفحه ۱۱

# زندگی این کوتاه ولی پرنهر بود!

در روز سهم مهر ماه ۱۳۵۹ \*  
 سا رمان ماکی ارصادی ترین،  
 موسی موسی ویا و فاسر...  
 سا ران خود را از دست داد. رفیق  
 محمود کرکیور، رفیق حسان  
 در سنگلاب ما بود. ولی رفیق  
 موسی بود که همواره به آزادی  
 رحمگان در بربرجم خویشین  
 کموسیم انقلابی می آمدید  
 و سراسر مایر جان میسرش را  
 فدای آرمان مقدس نمود.  
 شهید محمود کرکیور هکامی  
 که تا رم خط اول حبه حک بسا  
 اسرار معنی در خرمشهر بود،  
 سلب امانت ترکش حیاره سه  
 سرش در دم جان مسیارد. باد  
 و راه پرامسحار رفیق شهیدار  
 دست رفنه مان الهام بخش  
 ما سداگان خواهد بود!  
 زندگی شهید محمود کرکیور  
 گویا ولی پرنهر بود. بر سنگ  
 مرارن فقط سواستند ۲۹ سال  
 را حک کند. رفیق را در قم دهن  
 کردند. ولی وی آر آن چنان  
 محوسینی بر جوردار بود که سه  
 سیاری از دوستانش از شهر...  
 ساسهای محلف در مراسم  
 بدعینی شرکت کردند. غم درد  
 باکی دل همه، رفقا و فامیل را  
 سترد چرا که وی از نجمتینی  
 والا بر جوردار بود. میریاسی  
 و ماسب، صداقت و ار خود کند  
 سکی اش همدا، از کودکیان  
 چند ساله تا پیران خانواده همه  
 حموس رفقاییش را، تحت تا شیر  
 خود داشت. او بقدری صادق و  
 مهربان بود که هر کس چند لحظه  
 ای با او نشست و برخاست کوتا...  
 هی دانت، عمیفا شیفته اش  
 میکردید. آنقدر مهربان بود  
 که مادرش، داغ دیده و لسانی  
 استوار، میگفت "می دانم  
 چطور محمود با آنهمه مهربانی  
 ما مرند سبک سبک بکیرد و کسی  
 را نکند!" آری فقط آنهایی

که محدود و صفا نندنی به آرمان  
 انقلاب و آزادی عشق میوروند،  
 فادرید کینه ای عمیق از دشمنان  
 سریت بدل بکیرد و با تمام  
 توان در این راه نندک سسه  
 آغوش بکنند. مراسم خاکسپاری  
 رفیق دردناک بود، خانواده  
 و رفقاییش انتظار داشتند در این  
 گونه "مراسم" شرکت کنند، آخر  
 او میخواست در همین چندروزه  
 ازدواج کند، چه زندگی ها وجه  
 عشق هاشی که تا بد پیر پرتوسد  
 تا عشقی بررگتر، عشق بسسه  
 آرمان انقلاب و آزادی بشریت  
 ثابت کرد دور زندگی به سر در  
 فدای انقلابی تحقق یابد!  
 در مراسم خاکسپاری اش،  
 مادرش سخت میگریست، آخرا و  
 فرزندش، آنهم این چنین فرزند  
 برومندی را از دست داده بود.  
 ولیکن روحیه این شیرزن همه  
 را تحت تا شیر قرار داده بود.  
 چه اشعاری که در وصف فرزند از  
 دست رفته اش نمی خواند، وجه  
 حربیا و دانتا نهایی از مهربان...  
 نی ورنادت وی تعریف نکرد.  
 او همه را دلدار می داد و می...  
 گفت ثریه نکنید! محمود خودش  
 میخواست، او با خواست خودش  
 چنین شد. میگفت محمود هر  
 وقت از خارج نامه مینوشت از  
 مادر میپرسید: "مادر چند تا از  
 بچه هایت را همور داری؟" (محمو  
 ۷ برادر دیگر دارد) و هنگامی  
 که مادر جواب میداد "همه آنها  
 را!" محمود جواب میداد: "چرا  
 هیچکدام هموز شهید شده اسد؟"  
 مادرش تعریف میکرد! میگفت  
 وقتیکه از خارج بازگشت پرسید  
 "گرفت را تمام بکرده چسرا  
 آمدی؟" و او گفت "تو که  
 هیچکدام از بچه هایست را در راه  
 انقلاب ندادی، من آمدم که  
 چنین کم!" مادرش با افتخار  
 میگفت "محمود شهید نشد،

شهید!" و با شعرا داده میداد  
 "تو که همین چند روز پیش سه  
 رحمی ها چون دادی، آن کامی  
 سوندک این با راین چنین جان  
 ندادی!..." چه جانهای عزیزی  
 و خوشیهای باکی که در راه این  
 انقلاب با بدنتا زکرده تا شا هد  
 پیروزی باشیم!  
 مادر هنوز ۷ برادر رفیق  
 را داشت، ولی انقلاب هموز  
 چون میخواست. برادر کوچک  
 محمود، احمد، وقتیکه برای  
 مراسم تشییع جنازه، برادر  
 بزرگتر میآمه، موردا ما بست  
 خمپاره قرار گرفت و شهید شد و به  
 برادر پیوست! چه خونهای باکی  
 وجه فرزندان رشیدی این مادر  
 در دمان خود پروراند!  
 رفیق محمود کرکیور در  
 آذر ۱۳۳۱ در خرمشهر متولد شد  
 گزیدید. وی در خانوادها ای  
 نسبتا مرفه پرورش یافت بعد از  
 اخذ دیپلم و پایان خدمت نظام،  
 برای ادامه تحصیل عازم آمر...  
 یکا میشود. رفیق به مجرد ورود  
 به آمریکا با جنبش دانشجویینی  
 خارج و کنفدراسیون محلی و  
 دانشجویان ایرانی (برای حیا  
 سازمان واحد جنبش دانشجویینی)  
 آشنا میگردد و مشتاقانه سه  
 فعالیت سیاسی مشغول میشود،  
 رفیق سرعت خمیره انقلابی  
 خویش را آشکار ساخت. در طول  
 انقلاب به شهر خویش (خرمشهر)  
 بازگشت. زمان بازگشت او با  
 انشعاب در درون اتحادیه سه  
 کمونیستهای ایران مصادف  
 میگردد. وی با برخوردی انقلاب  
 بی کجروان را محکوم و با انتقاد  
 به گذشته سازمان، از خط  
 مشی انقلابی آن به دفاع برخاست  
 ست. خط مشی ای که رانجام  
 هستی خود را هدایش کرد!  
 رفیق در طی فعالیت پسر

شورش در خرمشهر با رها شهید به  
 دستگیری وزندان شد، که سبک  
 با رفیق ساختار فعالیت انقلابی  
 به زندان افتاد. رفیق پسر  
 شورا نه در جنبش خلق عرب کسه  
 توسط مدنی خاشن مرکوب میشد،  
 شرکت فعال داشت.  
 رمانیکه اسرار معنی در  
 پی توطئه امپریا لمستیای آمر...  
 بگایی برای درهم شکستن...  
 انقلاب و اسارت میهن عزیز،  
 نجا وز وحشیانه خود را آغوش ز  
 کردند، رفیق با توجه به آشنا...  
 بی اش به فنون نظامی سریعا  
 مسلح شده و بدفاع از انقلاب  
 و میهن برمیخیزد. در سپهر  
 مهر، بهمراد عده ای ار هم سنکر  
 اش برای صرف غذا بجا سه میروند  
 و گویا قرار بوده که ساعت ۴  
 دوباره به جیبه با زکرند. وی که  
 شدیداً تحت تا شیر شهادت یکی از  
 رفقاییش (شهید مجید هواسی)  
 بوده است، برای بازگشتن به  
 سنکر از خود بی تایی نشان می...  
 دهد. حوالی ساعت ۲ بعد از ظهر  
 با اسلحت از خانه خارج میشود و  
 با عده دیگری قصد رفتن به سرز  
 می نماید. رفیق همراه چند تن  
 از دیگر رفقا مشغول تعمیر باتری  
 از کار افتاده ماشینی که با آن  
 قصد رفتن به سرز را داشتند بود...  
 ند که موردا ما بست ترکش خمپاره  
 قرار میگیرد و در دم جان میبا...  
 رد!  
 رفیق بدین سان سه  
 کاروان شهیدای راه آزادی  
 و استقلال ایران عزیز پیوست.  
 جای او برای همیشه در میسان  
 رفقاییش خالی خواهد بود، ولی  
 یادش و آرمانی که بخاطرش شهید  
 گردید الهام بخش همه ما خواهد  
 بود!  
 ما در اطلاعیه ای که بمناسبت  
 شهادت رفیق منتشر کردیم، ۱۰  
 مهربانان را تشبیهی ذکر کرده ایم.



## هر روزی بر جبهه

بعد از صفحه ۲

باید دانست که یکی از تملی که عراق توانست در ایران نمود کسوداشتن جاسوس و با ملاح یک ستون پنجم در حورستان است. در حرمشهر تا کنون چندین جاسوس ایرانی

را، که برای بعضی ها کار می کند، گرفته اند. این جاسوسان مواضع حساس و حرجانی را که ارتش، سپاه و با مهمات مستقر شد با بی سیم به اطلاع دشمن، میا جم میرسانند و در نتیجه بعضی های مهاجم بعد از چند ساعت آن مواضع را بیسپاه حصاره یا راکت می بندند. عده ای از این جاسوسان نیز شب ها با چراغ قوه به دشمن علامت میدادند که مردم آنها را دستگیر کرده و تحویل سپاه دادند. ولی برخی انتظار رژیم خائن بعث و کدشور میکرد که مردم عرب حوزستان بخاطر عربیت و همچنین جنایات نژادپرستی مدنی خائن به هم کاری با دشمنان ملی و مهاجم میهن خویش کشیده خواهند شد، بوده های عرب ملت ما قاطعانه در برابر میا چمان بیعت ایستادگی نشان دادند. ارتش مزدور بعث محلات عرب نشین حرمشهر مانند مولوی و کوتلیخ را چند بار مورد حمله قرار داده و کشته های عرب این محلات دلیرانه در خانه و کانه خویش به دفاع برخاسته و با مقاومت خویش نفرت و انزجار خویش را از مدام خائن و ارتش سپردور وی ابراز داشتند. یکی از علل شکست مدام حسین و ارباب با تن در طرح اولیه شان، که سرور میکردند با یک جنگ سرق آما حوزستان را سرورده همه صرف در خواهند آورد، غلبت از آب در آمدن حصارها نشان در باره خلق عرب حوزستان بوده است.

در باره نقش ما را سپای

کی نشان دهد، ولیکن بعضی پیش گفته این ایستادگی در لحظات حساس جای خود را به یک روحیه یا خستگی در میان درجه داران و سرپاران داد، بطوریکه دسته هایی از ایشان راه فرار پیش گرفتند و با در کوجه ها مشغول پریدن بودند و در نتیجه بخشهایی از شهر بدست مزدوران بعثی افتاد. ولی با حرکت قهرمانانه توده های خیر و جوانان ملح و رشادت های ستایش انگیز با سداران دستهاشی از سربازان و درجه داران سیزده جنب و جوش در آمده و شهر مانی های بی نظیری از خود نشان دادند. این وضع نشان میدهد که فرماندهان ارتش، که اغلب با بخاطر وابستگی های کدشده شان کارشکنی میکنند و با اصولا تربیت شدگان دوران صلح هستند، بهیچ رو با وضعیت جنگی کنوسی که ایمان و شوقی وطن پرستی و رشادت و از جان گذشتگی و همچنین نظم و انضاط جنگی (و نه نظم و انضاط سرای رژه رفتن) میطلبند، مناسب ندارند و با بی تدبیری در میان آنها تغییر و تبدیلات جدی صورت گرفته و بخصوص در شرایط حساس و حادثه کنوسی سر آنها کسورل و انضباطی قاطع اعمال نکردند. اکنون برای بار دوم (هفته چهارم جنگ) شهر حرمشهر شاهد تجاوز و قوای مزدور عراق و قهرمانانی و حما به آفرینی مردم دلیر حرمشهر میباشد، و بدون شک جوانان عبور حرمشهر و گروههای مسلح مردم اینبار سیزده را پس جنگ تن به تن و رودر رو با دشمن میا جم پرور بیرون خواهند آمد.

سیاسی در جنگهای حرمشهر، با بندگت که به جز خود ما (اتحادیه کمونیستهای ایران) که با نیروی کم خود هم در پشت جبهه و هم در خط اول جبهه فعال بوده ایم، ما هدایت ملی و همچنین جناح اکثریت مدانشان خلق در محالیه های دفاعی شهر و در جنگ شرکت داشته و در چند مورد در جبهه جنگ دیده شده اند. بیشتر نیروهای ما هدایت در شهر بوده و فعالند.

از افراد حزب هوچی توده تنها چند نفری در شهر هستند، که البته میباید نیستند و بیگانه در شهر بر میگردند.

از جریانات انحرافی که "جپ"، "پیکار"، "جساح" اقلیت "جریکهای هداشی" و "گروه کلسرچی"، در ابتدای عده ای وجود داشته اند که در یک محل جا در زده بودند و طبق رسم همیشه ایشان دور هم جمع شده و بحثهای روشنفکرانه میکردند. اما بعد از آنکه موضع ضد انقلابی و ضد ملی "پیکار" و سایر جریانات مزدور در باره ملت حیت جنگ و غیره روشن شد، چادر خود را جمع کرده و همگی شهر از دوسه نفرشان که بیگانه در شهر بر سره میزنند).

مختصری در باره فعالیت مادر حرمشهر: اعضاء و هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران از همان آغاز جنگ تجا و زکارانه عراق علیه ملت ایران قاطعانه از سیاست دفاع انقلابی و نوده ای و شرکت در جنگ مقاومت ملی پیروی کرده و در آستانه حملات بعثی ها به شهر تمسیر و تبدیلاتی در تشکیلات خود سه وجود آوردند. آنها در همه فعالیتهای تدافعی شهر از قبیل تشکیل و تملیح جوانان، سنگربندی، خندق کنی و تهیه وسایل عمومی دفاع و همچنین کارهای امدادی شرکت جسته و همچنین طبق ضروریات جنگ وارد همکاری نزدیک با افراد

سیاه شدند و اعتماد بسیاری از رزمندگان مدافع شهر را خود جلب کردند. رفقای ما با رهسار در خط اول جبهه ترک جسته و چنانکه تا بسته یک کمیونس است با ارتش مزدور عراق و تا نگیهای آنها به نبرد برخاستند. در جریان حملات و حصارها مزدوران بعثی یکی از رفقای ما سنا م محمد کرک پور در باره ازار صفای حرمشهر اینرا اما نیست حصاره به نجات رسید. برادر این رفیق بنام احمد کرک پور سیزده در جریان حملات بعثی ها به شهادت رسیده است. همچنین رفیق مجید اهوازی نیز که از همسواران اتحادیه کمونیستهای ایران بود اینرا اما بت خمیساره مزدوران دشمن به کساروان شهیدای ملت قهرمان ما پیوست.

### اهواز بیشتر است که از نخستین

حملات هوایی عراق به اهواز، میگردد. از همان روزهای اول شور عظیمی مردم شهر را فرا گرفت و مثلا در دیواری که در هفته اول مورد حمله و انضاط مهمات مورد حمله دشمن واقع شد، دسته دسته از مردم آن نقاط هجوم آورده و جان غلیانی از خود نشان دادند که کوشی می خواستند با شت خالی و تجمع توده ای خود میکیهای عراقی را بترسانند. حدود روز چهارم را دیو اهواز را علامت کرد که ۲۵۰ تا تک از مرز گذشتند و در ۴۰ کیلو متری اهواز بند و همچنین از مردم شهر خواست که برای مقابله با آنها تا آنها آمده شود، کوشی مولاتف با رند و غیره. پس از آن توده های اهوازی با شور و شوق و یک نوع بی صبری به کوجه ها و مساجد هجوم آوردند. بهیچ سزین ها برای گرفتن سزین و به کارها برای سه دست آوردن روغن سوخته و غیره دویدند و با همراهی و یمناری انقلابیون (از جمله خود ما) به

بقیه در صفحه ۷

و حتی بنی صدر کشت که جریسان نفوذ و پیشروی ۲۵۰ تانک عراقی دروغ بوده، حال آنکه بعداً معلوم شد که کاملاً راست بوده است. این جریان تا ششمین روز صبحی بوده مردم کدناشت و

### هر روزی بر حبه... نصفه از صفحه ۶

ساختن کوکتل و دیگر وسایل دفاعی بر خاستند. روز بعد در و دیوارها اردستورهای ساجش کوکتل و سدرای و غیره و راه - نماشی های دفاعی بنا میهای جوانان فلان محل و یا مردم بهمان ناحیه بپرند. همچنین فعالیت گسترده ای برای جمع آوری دارو و تشکیل کمیته های اسناد با کمک نیروهای انقلابی و مساعد صورت گرفت. البته در این زمان هنوز مساعد نامه ای صادر نشدند، هنوز اخبار از طریق ستاد رهبری و نشر انتشار نمیامت و همچنین حده بورژوازی شهر تا حدی دست و پایی را کم کرده بود. در این میسان تعدادی از مناطق مسکونی اهواز هدف بمباران های دشمن میاند جمع راکت و تعدادی کشته و تعداد بیشتری زخمی بجا گذاشت. تعداد زیادی از اهالی مرفه و شریف و شهر و همچنین از کارمندان راه خروج از شهر را در پیش گرفتند، و البته کلسی تبلیغات منفی از سوی مخالفان بهمان انقلاب نیز در ایستاد رمیسه تا شهرات سوئی داشت. لیکن نوده زحمتکش شهر و جولد تان عبور اهواز فوراً به کسندن پناهاها و خندقهای ضد تانک و ایجاد سنگر پراکنده و برای دریافت اسلحه به معاجسد روی آوردند، که البته تنها استعداد از سلاح شخصی، توسط کسانی که در اختیار داشتند، آزاد اعلام گشت.

آنها از آن پس با بی اعتنادی به اخبار را دیو بر خورد میکنند. البته در این میان هنوز مردم اهواز از آذانه به کمک پاس - داران و سربازان ساجینه می - رفتند، به یاد کاسها می رفتند و در حمل مهمات یاری می رساند. سیدند. سید خا منهای و جمران با به شهر نهادند. ایسان کور - شیدند تا بر افرادی که به کمک مساعد و بسیج تعلیم میدیدند به سپاه، نفوذ کمونیستی آنها کنترل بوجود آوردند. از این پس ستاد هماهنگی مساعد بوجود آمد و اعضای گروه های ۲۵ نفره و داوطلبان رفتن به جبهه باید به تاشیدانچمن اسلامی و مسجد محل می رسیدند. و همچنین ستاد معنا و مت و امداد جنبشی قبلی بتدریج بر جبهه شد. ولی اکنون طبق گفته سربازان و پاسداران افرادنا مسرده در کار ارتش و سپاه پاسداران کار شکی خاشی میکنند و ججسای کوشش در ایجاد هماهنگی دسته - هائی بر سر خود کسرد آورده و بیشتر بفرگرتفاق اید تا معنا - و مت در برابر دشمن مشترک.

در این هفته ها حملات مداوم هوائی و توپخانه ای ارتش مزدور و سبک هرگز نتوانسته است در شور و اراده مردم برای دفاع از انقلاب و کشورشسان تا ششمین روز بگذارد و تنها تا - رضائی عمده جوانان و نوده - های زحمتکش شهر همینطور در زهرخلات دشمن معطل ماندن و عدم تشکیل و تبلیغ اهالی می - باشد. خیلی جاها دیده شده که آرزوی مردم این بود که مسلح

نوند و اجاز داده شود که بروند و رود روی دشمن بجنگند. شپا به گامان عجا ربیایی از بسیار مهمات احوار ( ۱۷ مهر ) که ابتداء کسرا از مردم خیر از میبنا و منبع مداهای میبب آن ندا - شت و مسجد جامع شهر نیز اطلاعات کاذب و نا مربوطی بخش میکرد، هول و هراسی را بتصور غافلگیر شدن در برابر هجوم دشمن در شهر باعث گشت ولی بعد مسائل - روش شد و حالت عادی دوباره بوجود آمد. تعداد زیادی از مردم هم که از شهر کوچ کسرد، بودند پس از مشاهده همه کسیر بودن جنگ در خوزستان دوباره به اهواز بارگشتند.

روز بیست و یکم بهر سراسر حمله هوائی عراق بخشی از پیل سفیداهوا را آسیب دید ولی هم - چنان قابل استفاده است. همچنین روز بعد توپخانه بعضی ها اهواز را بریر آتش گرفت، و در همان زمان در کیر بهینای شدید آبادان و خرمشهر آغاز شد و تا کنون تلفات زیادی بر سر نیروهای مزدور دشمن مهاجم وارد آمده است.

چیزی که سربازان و هم - چنین پاسداران از آن نا - خوشنودند و دشمنان نیز از نا راحتی میکنند همانا عدم هماهنگی در میان قوای مسلح و کار شکی - های موجود در سطح فرماندهان ارتش میباشد. مهمات دیسر می رسد و طبق گفته سربازان استفاده لازم از توپخانه و هم - چنین جنگنده های هوائی برای ضربه زدن به توپخانه دشمن و ویران کردن مواضع آنها از راه هوا نمیشود. البته در شب ها شبخونهای قهرمانانهای از سوی گروه های داوطلب مسلح و پاسداران به مواضع دشمن صورت میگردد. هر گروه معمولاً مجهز به سلاح ضد تانک، نارنجک، مسلسل سبک و ز - ۳ بوده و هر - با رتعدادی ارتوپها و تانک های بعضیها را از زمین مسرده و البته تعدادی از ایسان هر بار بدرجه شهادت می رسند. این

جا سا زیبا نقش با رزی در حفظ روحیه مردم و تشویق جوانان به ادامه جنگ با مزدوران مهاجم عراقی دارد.

یک نکته ای که نوکدا باید گفت که سایه نا راحتی و تشویش مردم است نبودن تشکیلات و فر - ساندھی منظم و یک دستگا و خبر رسانی بی غرض و عرض در شهر - میباشد. سلاح بدست همه افراد داوطلب و مبارزان میدهند، و معاملات عملاً مردم شهر را بیازی میکنند. یک سوخ کنتینرل شنیدی، در شهر وجود دارد، کسه اگر چه تا حدی برای کشف و دست گیری جا سو مان سمت که از موا - مع خودی به دشمن خبر می رسانند لازم است، ولی به همت انحصار طلبان و ایادی حزب جمهوری دامن انقلابیون راهم بگیرد همچنین به یک سوخ نارضایتی در مردم دامن میزند. با اینحال مردم روحیه میهن پرستی و غرور ملی و ادارشان میمازند که در شهر همچنان مقاوم باقی باشند و جدا نوده های زحمتکش شهر و جوانانی که در همه محلات حضور دارند خواهان مبارزه اند.

در شرکت نعت هم یک ستاد رهبری تشکیل شده که نقش مشتی ایفا میکند. همچنین یک ستاد عشا پر هم وجود دارد. این ستادها با ستاد رهبری کل در این شهر مربوطند.

فعالیت نیروهای سیاسی نظیر شهرهای دیگر خوزستان ( حرمشهر، آبادان و همچنین در فول ) میباشد و رفقای علما ( اتحادیه کمونیستهای ایران ) نیز در همه زمینه ها فعال اند و تا حدی که توانسته اند در سطح جبهه نیز فعالیت داشته اند. در این جا اعضاء جنبش سنانان مبارز ( امت ) نیز فعال هستند.

از انحراف کاران " چپ " بویژه عده ای بیکاری هستند که برای مدتی بطور نفرت انگیزی تبلیغ صلح ( صلح بادشمن مهاجم ) میکنند؛ بعضی عملاً هم زبان فدائینقلابی کسه بنفیه در صفحه ۱۵

تربیت موفقت ها را براساسی  
گسترش و نبود ایده های استبداد  
سی و مرفعی در میان توده مردم  
می کشند وحدت و ادا مسی  
انقلابان میباشند دست  
داده است. واقعیت و شرایط

## پیروان و مواضع ...

سای حاکم بر حاکمیت از  
نخا و زحاکمی از نفاق و جسد  
سنگی و سر خوردگی شدید قشر  
های رور افروزی از توده مردم  
ار سر نوشت انقلاب و رهبران  
کشوری بود که شرایط را براساس  
اس سر خوردگی و نذا با زنگدا  
نش راه توطئه های ارتجاع  
سریگون شده و امپریالیستها  
مراهم کرده بودند. تفرقه در  
میان توده مردم، سر خوردگی  
آنان از نتیجه و سر نوشت است  
انقلابان و موج نارضا یستی  
های اجتماعی - اقتصادی و  
سیاسی در واقع بدترین شرایط  
برای نمود جریان انقلابی  
در میان مردم و بهترین شرایط  
برای گسترش ایده های ارتجاع  
می و توطئه های امپریالیسم  
بود.

حال با چرخشی که در مسیر  
تحول اوضاع منطقه و انقلاب ما  
سوجود آمده نیروهای سیاسی  
انقلابی می بایست موقعیت را  
در با سد و از این شرایط کمال  
استفاده را برای گسترش انقلاب  
و جذب هر چه بیشتر نیروهای مر  
دمی در جهت آن ببرند. توده های  
مردم همواره بر مبنای تضاد  
های عینی مقابلان به مبارزه  
و انقلاب بر می خیزند و زمانی که  
این تضاد ها به اوج خود رسیده  
و یک موقعیت تاریخی براساس  
شکوفاندن این مبارزه بدست  
آمده است، بیش از هر چه پیش  
پیشگامی و گرفتن ابتکار عمل  
در دست نیروهای واقعا انقلابی  
مستوانند و گوی نیازهای  
عینی این مبارزه بوده و لکن  
شده مردم سیر غلبه غم مسلک  
و انگیزه های طبقاتی شان ار

این نیروها به دفاع سرخواهند  
حاست. چه در تحویل نهایی آن  
نیروی قادر به رهبری توده  
مردم است که بتواند با شکو  
و راهبای واقعی توده مردم  
در جهت حل تضادهای عینی  
مقابلان با تفسد.

اینکه رهبری توده مردم  
حق نیروهای انقلابی است  
موقعی مستوانند تحم عینی  
با اینکه نیروهای انقلابی از  
عهده و وظیفه خود سر آیند. بدون  
انجام وظیفه، از مردم انتظار  
داشتن که عده ای را جز رهبران  
خود بدانند، انتظار نیست  
و لذا کسی که از انجام وظیفه  
خود سر بلند بیرون نیاید  
نه با حق آنرا ندارد که داعیه  
رهبری نماید، بلکه حق آنرا  
نیز ندارد که خود را انقلابی  
بداند. و این حکم برای همه  
جریانات مدعی انقلابی بودن  
رواست و بر هر گری هم ندارد.  
برای یک جریان انقلابی بد  
تر از سهل انگاری در انجام  
وظیفه خود، آنست که انتظار  
داشته باشد را رهبری کشردن  
و شرکت در انقلاب را برایشان  
باز کنند. و با انتظار داشته  
باشند که شرکت در مبارزه شان  
منوط به اجازه این و یا آن مقام  
شود، و با اینکه انتظار داشته  
باشند که سر راهشان را سد  
نکنند و نیروهای انحصار طلب  
قشری حتی در چنین شرایط  
خطبری دست از انگولک های  
خود بردارند و سر جایشان  
بنشینند!

روشن است که روی سخن  
ما در اینجا با دوستان مجاهد  
است که پیش از حمله به آزادی  
سیاسی در چند ماه پیش که در  
عین حال تروخنگ را با هم سو  
راند، این دوستان از فعالیت  
های عینی خود بندت گاشد و  
تحت این عنوان که نمی گذارند  
فعالیت نمائیم، حداقل قلیل  
در ظا هر کمتر هم پیدا می کردند.  
با حمله تها و زکاران عینی  
به جنبش ما، که به نیروهای  
انقلاب در کشور ما تکان سختی

داد و آنان را در یک سیر متحد  
قرار داد، دوستان مجاهد در  
مناطق جنگی هم دوش با سیر  
نیروها دست به نهالهای تک  
بیل توحهی زدند و به دفاع از انقلاب  
و میهن ما برخاستند که در خور  
تحسین و ستایش است. لیکن  
در سایر شهرها که بنا بر فعالیت  
شدید نیروهای انقلابی برای  
سیجیدن توده مردم و متحد  
کردن آنان در دفاع از میهن  
و گسترش انقلاب می رفت، ار  
دوستان مجاهد آنچه انتظار می  
رفت کمتر مشاهده شد، بنا جاشیکه  
به حداقل تظاهرات سیاسی در سطح  
شهرها رسیدند.

در عین حال و در شرایط  
مترقی اسلامی چون "سازوی  
انقلاب نو" قریبا دگودنشین  
که نمایانگر حرکت مشابهی در  
میان مسلمانان مبارز است،  
گرایش مشابهی بروز کرد که در  
سر مقاله های این نشریات در  
عرض دوسه هفته ای که از جنگ  
عراق می گذرد، مشاهده می کرد.  
آنچه از تحلیل این سر  
مقاله ها بدست خواننده می آید  
و با اینکه در طرح قضایای  
مربوط به اصل قضیه جنگ ماهیت  
طرفین جنگ، و خاصه علیت  
اصلی درگیری و تجاوزیستی  
های مزدور به خاک میهن ما  
سیار رنگ سخن میگوید، چنین  
است:

- ۱ - تها و عراق به  
ایران نه ناشی از یک توطئه  
امپریالیستی، بلکه علیت  
نا معلومی دارد که آنهم مربوط  
میگردد به تضاد میان دو دولت  
ایران و عراق
- ۲ - نتیجه جنگ ایران  
و عراق به ۴ مورد خلاصه میگردد.  
الف - زمینه برای سو  
استفاده امپریالیسم و آهم  
بطور عمده آمریکا بدست میدهد.
- ب - جنبه پشتیبانان  
فلسطین تصفیه میگردد و لکن  
اسرائیل در کنار آمریکا از  
چین و صهی سودمی بسرد.
- ج - به خلفای محروم  
تقیه در صفحه ۹



جریان درضال جنگ کورسی  
 ولذا تعیین کننده وظایف ملی  
 طبر این نشریات می باشد،  
 مورد نظر ما است که ما بست مورد  
 نقد و انتقاد قرار گیریم.  
 چنین تحلیلی از جنگ  
 که علت شروع آبرانه ناسی از

ده و در پی گسترش انقلاب نسا  
 تمام عویش است مهمترین عامل  
 مل خطرناک برای منافع خود  
 در منطقه میدانند. ما در شماره  
 انگیزه ها و پیش آمریکا در توطئه  
 طشه مدافعان ایران که جنگ  
 نجا و رگزارانه کسوفی سستی  
 های عراقی طرفدار آن است  
 در سایر مقالاتمان توضیحات  
 کافی داده ایم و در اینجاست  
 محدد: بدان نمی پردازیم.  
 منعمین نظریات فوق الذکر  
 با تحلیل ما درستی که از چگونگی  
 یکی شکل گیری این توطئه  
 و تا وزمدان انقلاب و مبعز مسا  
 دارند. طبعنا سست به نقشی  
 که خود ایفا نمایند منقل سر  
 حورد کرده و انتظاراتی را که  
 باید در این بین داشته باشند  
 ندارند. ایشان توجه نمی کنند  
 که این جنگ که از سری ایسر  
 قدرتها به ملت ما تحمیل شده  
 است. به تنهایی نیست، بلکه  
 در پشت و گسترش فکری و عقیدتی  
 مردم ما در راه وظایف ناسان  
 در سایر انقلاب و چگونگی پیش  
 بردن انقلاب چه نقش مهمی دارد.  
 وجه عرصه های مهمی را برای  
 نیروهای انقلابی ایجاد میکند  
 تا به آنگاه نمانند توده مردم  
 نسبت به رسالت و نقش نسان  
 بپردازند و توضیح دهند که نیرو  
 های گوناگون چه نقشی را در عمل  
 تلرغم ادعاهای متفا و بی پایه  
 ایفا می نمایند. مردمی که  
 در طی مبارزه علیه دشمن اصلی  
 و واقعی خود آبدیده نگردند،  
 لیاقت حفظ پیروزی های کوچک  
 و بزرگ خود را نیز نمیتوانند  
 داشته باشند. این جنگ  
 علیه تمام مزانهای مالی  
 و جسمانی که برای آوردن طبیعتا  
 جنگ بدون مصیبت وبدون "سفره  
 های کوچکتر" نیز، تاریخ بخود  
 ندیده، بزرگترین عرصه آزما  
 بش و پرورش توده های ستم دیده  
 خلق است. خود این دوستان نیز  
 اذعان می نمایند که جالب است  
 که درتهاجمات اخیر رژیم فا  
 شیست عراق، ملت صحنه های  
 از همسنگی و وحدت راه سانس  
 گذاشت که تنها با داور میسا

رژات مداستادی گذشت است  
 (بر مقاله فریا دگودتشیسن  
 شماره ۶۳) و با یاد اضافه کرد  
 که این نکته تنها جالب است  
 بلکه بسیار هم جالب است و  
 بهتر است نیروهای که مدافع  
 انقلاب و پیشرفت آن می باشند  
 بیشتر از جلب شدن توجه خودشان  
 نسبت به این مسائل دست بکار  
 شده و از این فرصت مفتهم سود  
 برده و انقلاب را کامی بجلسو  
 رانند.  
 متاسفانه این دوستان  
 با عمده کردن مبارزه ضد  
 انحراف طلبی در عمل در مقابل  
 مبارزه ضد امیربالیستی در  
 حرف، این امکان کمک به  
 گسترش نیروهای انقلابی در  
 صفوف مردم و پیشبردن انقلاب  
 را از خود سلب کرده و میکنند. نه  
 برای مبارزه کردن اجازه نامه  
 احتیاج است همانطوریکه خود  
 مجاهدین خلق طی سالهای  
 دراز مبارزه جزیه تعهدی که  
 نسبت به خلق خود داشته اند،  
 قید و بندی را برای خود ایجاد  
 ننمودند، و نه اصولا "اجسازه  
 دهندگان" اهل آند که اجازه  
 تا مدای ما در نما بند، مبارزه  
 کردن حق هر کسی است، لیکن  
 یک انقلابی، اگر میخواهد  
 انقلابی باقی بماند این حق  
 را وظیفه خود و وظیفه خود را احق  
 می دانند که به تازم مبارزه  
 علیه انحراف طلبی در متن عملی  
 مبارزه، ضد امیربالیستی می  
 توان یافت. در کجا میتوان  
 انحراف طلبان را واقعاً منفرد  
 کرد جز در عرصه مبارزه کنونی  
 خود توده مردم که در برابر دشمن  
 خود قرار گرفته اند و خواهان  
 شرکت همگانی و مخالف هرگونه  
 انحراف طلبی هستند.  
 بهر حال تحلیل غلط از  
 اوضاع، رهنمودها و شعارهای  
 غلطی را نیز پیدایشال دارد که  
 وظایف مقابل یا نیز طبیعتا  
 به یک حرکت انحرافی بسدل  
 می گردد. تحلیل نادرست  
 این جریان در مقابل جنگ  
 کنونی را نیز میتوان از تائید  
 بقیه در صفحه ۱۰

### پیرامون مواضع...

باید در صفحه ۸  
 توطئه های امیربالیستی بلکه  
 اما با سه حرکت مدعوا نسه  
 دولت عراق مرسوم می کنند،  
 بالطبع ابعاد و اهمیت واقعی  
 این جنگ را کوچکتر از آنچه  
 که هست جلوه می دهد و لذا نتیجه  
 ای جزیکه برخورد غیرفعال  
 نسبت به این جنگ می تواند  
 مدست دهد. تنها نیروهای هوا  
 دار این جریان به مقابل  
 برای دفع تجاوز در آن نقاطی  
 دعوت میشوند که صحنه اصلی  
 سرد می باشد. در سایر نقاط  
 این گرایش بصورت انتظار و  
 نمایل به خانه و سرهم سدگی  
 کردن جنگ نظا هر میکید، کسیکه  
 این جنگ را با یکجانبه نگری  
 تنها سود آمریکا میدانند، و نقش  
 آمریکا را به نحوی در تحلیل  
 های خود جای دهنده میشوند  
 برافروزنده یکی از ارکسان  
 جنگ نجا و زکا راه عراق و این  
 توطئه حساب نمی کرده بلکه  
 بعنوان نیرویی که طی ایسن  
 جنگ مترصد "سوا" استاده است  
 نمی تواند تحلیلی جز تحلیل  
 نادرست و خطرناک فوق را بدست  
 ندهد. جای شک نیست که آمریکا  
 میکوشد تا از این جنگ "سوا" استفا  
 ده کند. ولیکن این تنها بسک  
 جنبه از قضیه و آنهم جنبه فرعی  
 آن می باشد و نه کل قضیه. آمر  
 یکا هم در تودین این توطئه و  
 هم از نتایج این توطئه خود  
 (که دول دیگری نیز شریکسان  
 می باشند) شرمند و خوب می  
 است. آمریکا در درجه اول دشمنال  
 آشت که انقلاب ایران را خفه  
 کند، و ملت ایران را که  
 داد هزاران شهید توانسته  
 است استقلال سیاسی کسب نمود.  
 ایران و عراق چیزی جرمحرو  
 بیگ بیشتر و سرفه کوچکتر نمی  
 رسد. (سازوی انقلاب  
 شماره ۲۹)  
 ۱ - در این جنگ سرنده  
 اصلی آمریکا است. (شماره ۲۹  
 سازوی انقلاب)  
 ۲ - صلح و آتش بس بسا  
 تمی این نکته که نیروهای عراق  
 طی ماهی به سرحدات گذشته  
 خود بازگردند، بسفغ ایران است  
 ۳ - موضع با سرعربان  
 و جنبش فلسطین در برابر جنگ  
 ایران و عراق می بر شریک  
 محاصه (بدون دگر شرایط، که  
 بالطبع نوعی خارج شدن نیرو  
 های عراقی از خاک کشور ما را  
 هم در سر خواهد گرفت)، درست  
 و سرحق است.  
 البته با کنایه گدا شنیدن  
 سکری نکات فرعی دیگری که  
 این نشریات عنوان کرده اند  
 مانند سیاست خارجی ایران،  
 پیرامون اتحاد سیاستهای  
 درست و غلط در پیشبرد جنگ  
 (نکته بر نکند در سایر تمکیده  
 سر توده مردم) که دارای جوان  
 نب مثبت و درستی می باشد و  
 نیز فرعی جلوه دادن نقش  
 دولت شوروی که در واقع فرعی  
 بوده بلکه ما بدیدون عمده  
 کردن آن در برابر آمریکا خطر  
 آن بطور جدی در محاسبات سیا  
 سی انقلاب ایران منظور گردد  
 و... که جوانب منفی این  
 جریان را نشان میدهد بصور  
 فوق بها نگر نقطه نظر انسی  
 است که این گرایش سیاسی  
 در میان مسلمانان مبارز نما  
 بندی می نمایند. این تصویر  
 فوق که ناشی از تحلیل این

نیزحزی جزا شده میرا لسم  
و عوامل اجرایی توطئه های  
آن نمی باشد. انتظار دارم که  
انقلاب ایران سرهمچون خود  
اودر قبال نجا و زانکار عراق کند  
در مئی یک توطئه امیرا لسمی

## پیدا کردن روابط

بقیة ارجعه ۱

بی موردی که نسبت به مواضع  
نا درست یا سر عرفات در قبال  
حک کنونی میان رژیم تجاوز  
کر عراق به ایران انجام داده  
استنتاج نمود.

قبل از هر چیز اینسرا  
بگوئیم که روش و برخوردی کند  
برخی مخالف اسلامی حاکم  
نسبت به مواضع و مواضع  
اودر قبال جنگ کسوی اتحاد  
نمودند. به مورد بحث و لزوما  
تا پیدا است و نه در همین حال  
این برخوردها به با سر عرفات  
توجه کرد مواضع نا درست یا سر  
عرفات در میان جنگ کنونی  
مستواند باشد. بیشتر اینکه  
ارزیابی از با سر عرفات  
ورهری جنبه آزاد بیخوش  
فلسطینی نیز از مواضع آنسان  
در قبال مسائل مقابله بای  
انقلاب ما آغاز نمی گردد، بلکه  
تنها جنبش فلسطینی و تضاد های  
مقابل های آنست که بعنوان  
سازگار تحلیل ارمواضع  
رهبری مشرف فلسطین باشد  
مورد نظر باشد. این امر به  
معنای بی تفاوتی نسبت به  
ما بر مواضع رهبران ایمن  
جنبش و یا هر جنبشی دیگر نیست  
بلکه سخن بر سر اصلی بودن  
معیارها و زمینه ها برای ارزیابی  
بایی هاست. بهر رو، سوال  
این است که آیا مواضع اتخاذ  
شده از سوی یا سر عرفات در قبال  
جنگ کسوی از نقطه نظر منافع  
انقلاب ایران درست و یا غلط  
است.

اولین سوال این است  
که چرا یا سر عرفات کند خود رهبر  
جستی است که بر علیه غاصب  
فلسطینی می جنگد، و غاصب

روش و رویه ضد انقلابی زده شد  
توجه کنید  
"موضع گیری جنبش  
تبرمان فلسطین در قبال این  
جنگ (منظور جنگ ایران و عراق  
است) موید بسیاری از واقعیتها  
میباشد (کدام واقعیات؟) که  
میتوانند در بررسی نتایج جنگ  
منفی و موثر باشد. آنچه که مسلم  
است (چرا مسلم است؟) در بر  
خورد با این جریان همچون  
دیگر معادلات سیاسی حاکم بر  
جنگ ایران و عراق (کدام  
معادلات؟) نباید متنی بسا  
ساده اندیشی قضاوت کرد و آنرا  
در کادر یک معادله ساده مسرد  
قضاوت قرار داد و بدون درک  
عمیق و پیچیدگی تضادهای حاکم  
بر منطقه و هویت انقلابی جنبش  
فلسطین دچار ساده اندیشی  
شویم" (وهمین) (مطالعه سب  
داخل پراانتزها از ما هستند  
"حقیقت")

یا "در هر حال جنبش  
فلسطین در مقابل این جنگ  
اظهار بی طرفی کرده است،  
همچنانکه آمریکا شوروی نیز  
اعلام بی طرفی کرده اند"  
(البته مقاله نقش آمریکا را به  
عنوان برنده اصلی جنگ تنها  
در خارج صحنه جنگ نشسته و  
منتظر و مترصد سودجویی است  
توضیح داده اند، بدون آنکسبه  
نقش شوروی را توضیح دهند)  
و "موضع گیری جنبش فلسطین  
نیز جدای از این معادلات  
پیچیده و حساس سیاسی در منطقه  
نیست" و "آنها هیچ وقت مجاز  
به اتخاذ موضعی نیستند که در آن  
منافعی هر چند کوچک به ایمن  
دشمن خلقیای جهان برسد."

سراسر مقاله فوق الذکر  
و سایر مقالات مندرج در ایمن  
نشریات مملو از این کلی بافی  
های "دیپلماتیک" است که  
گویا برای نگفتن حرفها  
نوشتند. کدام معادلات  
پیچیده؟ ساده اندیش ها کیا  
نشد؟ چگونه ساده اندیشی می  
کنند؟ اوضاع حساس سیاسی و  
..... چه هستند؟ چرا نویسند

کار نشریات شرق ارمواضع  
مقابل و روشن کردن اهداف  
مردم است به اس مایسل  
سجیده و غاصب که حکم اصل  
را در سراسر مقالات  
نشریات و محور تحلیل ها میان  
را بخود گرفته است طرفد مسرود  
ورگ و پیوسته های معادلات  
پیچیده را روش می کنند.  
وظیفه دیپلماتیای سازمان  
طلل جایگزین وظایف انقلاب  
بیون نده است و لذا حق مطلب  
نیر نمی تواند از خلال اسگود  
توضیحات بیبوده به بیرون درز  
کند. اینگونه رویه های خلاف  
صراحت در گفتار یک انقلابی  
است و دوستان انقلابی ما نیز  
باید از این روش خود استناد  
کرده و از آن بپرهیزند.  
اگر این دوستان  
واقعا متفقد اند که موضع  
یا سر عرفات یعنی برانخاست  
سیاست بی طرفانه نسبت به  
جنگ کسوی درست بوده و معیار  
این موضع گیری هم آنست که  
مبادا "در آن منافعی هر چند  
کوچک به این دشمن خلقیای  
جهان برسد" پس چرا خود این  
نشریه و همفکران آن موضع  
بیطرفی اتخاذ نمی نمایند.  
این تضاد میان کردار و گفتار  
و توضیحی که از مواضع صد در  
صد غلط یا سر عرفات میشود  
در ذهن خواننده قرار است  
جکوبه حل گردد.

موضع بی طرفی در این  
جنگ دستکم و در بهترین  
حالت خود جز لاقیدی نسبت  
به یک توطئه امیرا لسمی  
آهم توطئه های آمریکایی  
معنی می دهد. حرکت و  
مواضع یا سر عرفات نیز  
جزی جز این لاقیدی نسبت  
به امر انقلاب در این مقطع  
منحصر معنی نتواند داد.

در سرمقاله "سازوی  
انقلاب شماره ۲۹ میخوانیم:  
"انقلاب فلسطین و رهبران عرب  
فلسطینی کرد تا بجای بر سر  
بشع یک طرف در جریان جنگ  
بند در متحد ۱۲

# آیا شوروی در...

سینه از سینه ؟

عین حال آنکه با دادن به حکم از سوی عراق راهمجان سینه صنعت خود میدیت، حورا افراد را به سیاست خود برای سردر آوردن از قضایا و احیا با قبوس لادن نقش میانجی گزاشده آنها

کرد، ما ورکنند! لیکن درباره دلیل سفرنا کجایی میثت نظام می خودبه اردن برای زماں معین چه توانند گفت؟ آیا این موضوع بطرواقعی دولست شوروی را که میکوشند اربنت به با دادادن جنگ شجا وزکارانند عراق علیه ایران مشمول شده و از جلو نیافدی طرفاهای کرد نشند در انتظار فریاد "امسداد حواد" ایران بشیمدیرملا سی سازد؟ پس از در هم شکستن طرح "بیروزی برق آسای" عراق بر اثر مقاومت قهرمانانه ملت ما و در نتیجه به درازا کشیدن جنگ (یا اصطلاح دیپلما تپسای امیرالیست به سن بست کنیقا آن) آمریکا صلاح را در دعوت طرفین جنگ به آتش بس و کشا نیدن دولت ایران به قبول میانجی و مذاکره سیاسی دید. زیرا ما با انگارنه تنهها آب سردی بیروی مقاومت دلیرانه ملت ما ریخته میشدیلکسه سختی از خاک ما عملا برای کروی گشای های بعدی در دست دولست شجا وز عراق فرار میکوشند و پای قدرتهای بیگانه سیزسه هیئت میانجی و محفل ملج سه کشور ما با رمیخت. در ایس زمان ضیا الحق آمریکاشی و دبیرکل کنفرانس کنورهسای اسلامی بعنوان "پیام آوران صلح" خودماشی آغاز کرد سدد و مدام حسین سرای بر فراری سه اصطلاح صلح و آتش بس صدای بکره خود را بلند کرد، که خود سخنان نه نوی دهانشان کویسته شد، اما دولت شوروی هم برای آنکه از فایده عقب نماسد، در

ریان سنیر) به دولت ایران از زیر جاب جارج ساحت بودند کد وزارت امور خارجه شوروی با تصور مفید را منکوشند و بدینسان با تکذیب نامه خسوس نوپسندگان ورنی باره "مردم" (۱۶ مهرماه ۱۳۵۹) را به جعل انداخت.

پس از نکتت خوطنه آتش بس آمریکا و دست نشاندگان سنی در منطقه راهی مکرشندید حست علیه ایران جیت میز او در آورده حکومت ایران و حداقل مجبور ساختن آن به قبول آتش بس ندید. ما شاهنده میکنیم که رژیم مزدور سعت انبیا رضسن ادا صه عریده های فریبکارا به اش در باره صلح با پشتیبانی همه جانشنای گذار همسه قدرت های امیرالیستی (از جمله شوروی) و مرتجع تر یسی رژیم های دست نشاندده منطقه میگیرد بر حملات و حتیانه خود بر شهرها و دهات جنوب و غرب

کنور ما افروده است. در ایس میان دولت روسیه شوروی که از ادامه شجا وزات عراق و تحت فشار قرار گرفتن حکومت ایران انتظارات بیسی کنتر را دنبال میکند. همچنان بر ساسست با اصطلاح سطرنا سه خود ایستاد وظا هرا سرزنشی دادند متجسا وز طرف ما ظل که بیما شد. زیرا دیپلمات های روس که ظاهرا اظهار ارادت و دوستی خاصی بد "انقلاب اسلامی" و مواضع ضد امیرالیستی دولت ایران میکنند هموز نتوانسته اند که با استفاده از شرایط بحرانی جنگی لفظه "جرب ایرانی را به قبول دهان شنا دروسی و سوسد کسند - هندی که دار و دسته سوسکرم آب حرب توده و حصدستان ایشان در پیس برده دودی از شعارهای تو خالی صد آمریکا شی و چاپلوس می روز مره در برابر دولتمردان ایران برای بی عری ریسران تلاش میوررند.

## شیوخ مرتجع، جاسوسان

سینه از صفحه آخر

های بیمنی گزارش میدهند تا به توپ بسته شوند. مثلا چند روز پیش، ارتش در داریخوین مهمات پیاده میکنند تا به جبهه خرمشهر برسد. برخی از جاسوسان "حرکتها الجنا هیر" (یا سهرت میکوشیم حرکتها المشیوخ المرتجع) از موضوع اطلاع مییابند و به معنیها خبر میدهند. دوساعت بعد در پیرخوین به توپ بسته میشود که در ایس حمله بیمارستان شهر آسب فراوان می بینند.

این جاسوسان که مانند خنجر هستند که از پشت بر سر مردم ایران فرود می آید با بد سربها دستگیر شده و در دم اعدام کردند. اعدام ۲۱ تن از این شیوخ مرتجع و جاسوس بدست آیت الله سله خلخالی سلما پشتیبانی همه مردم و نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب را بهر اء دارد.

توده های خلق عرب در کنار همه مردم ایران و حورسنسان برای آزادی و استقلال ایران در مقابل این توطئه امیرالیستی ایستاده اند و جانا به یاری میکنند.

مدی این مزدور امیرالیسم، در لسان "اسلام و نظم و ... این مرتجعین را بر علیه انقلاب ایران مسلح، و توده های مردم را خلق ملاح کرد. انقلابیون و آسپاشی که و اعما در فکر دفاع از انقلاب و سپس هستند سیاسی در این شرایط توده های عرب و فارس و ... را در مقابل این شجا و مسلح کرده و آنها این شیوخ مرتجع را خلق ملاح و به جای اعمال سکیس و خیاست بیارستان برساند!

## دعوی حزب

....

بغیه از صفحه ۱۸

لسنی "اسد" نظر داشته باشد ما هم که دفاع از حسیثیای ما میرا لیمتی مردم و حقا - ست مواضع ملت های محسروم در برابر تحا و زکساران و اسنما رگران بر خیزند، بلکه این حسیثها و ملت ها هستند که ما بدنا ز این عالی جا در اکتشیده و منلایا رفیدن ساز آن در مو - معگیری اثر اشریک دارنده منظور این با سندان "کار آ" سه سایی روتن تر این است که ما برای آنکه ستواسیم حنا بست دولتی ما نندنیوری را، کسه امروز موضع بی طرفی گرفته است، سوی خود دوست - حقانیت موضع ایران در فعال نوظنه های آمریکا و تحا و زات ست جلب کنیم، ما بدفعالانه راه خوشرقمی و جابلوسی در برآ - بر آن را پیش گرفته، قرارداد های دوستی نظیر قرارداد ضد منی ۲۰ ساله ای که اخیرا سا سور به بسته شد (وصفحاتی را برای رگلام آن در "مردم" سه خود اختصا ص داد) با ایسن دولت بستیدیم، سهم و امتیازاتی در کشور خود برای شوروی ها قائل تویم و خلاصه افسار خود بدست این دولت با مصطلاح صا میرا لیمت بسیاریم، شا طبعا این دولت و دول نظیر در مومعگیری های خود بفتح ما تجدید نظر کنند و عطاوت ارباب منشا نه انان شامل حال ما گردد، ایسن است حرف دل رهبران وطن فروش این حزب، "حزب توده" سنگساره شناخته شده است که همه - می ناسند بیویع منامله آن چه میاشد و برای که کار میکند.

ناید کمتر دسند و گروه وطنس مروشی را ستوان یافت که اسن طور خاضعا ندویا و قاحت سسک ماسروبا دار برای پیشسرد مسافع ارباب خود زحمت بحسود راه دهد، سدور تک این دست

شی (ما ست دو گروه خلق و برجم در افغانستان) برای پیشسرد مطامع خود استفاده میکند و بسا آنها را در خدمت میگیره، امروز انواع گروهک های زیزودرشت روبریونیستی، تروئسکیستی جوهر ووشنفکری و ضد کمونیستی ویا آنکار بورژوا - نشودالی از قماش حزب دموکرات کرد - ستان، برقه دموکرات آذربا - بحان، گروه روشنفکری اتحاد با صطلاح دموکراتیک مردم، و بتدریج "فدائی خلق" و... سه سیاست این دولت خدمت می کنند و ما در اینجا از آنهاشی که موضوعگیری وجهت گیری سیاستان جا بگا ه های ویژه ای را در محاسبات دولست شوروی راجع به ایران سساز کرده است نامی نمی بریم، لیکن با اسحال "حزب توده" بی برده ترین مدافع دولست شوروی و سیاست جهان سوسیسی و مططن ترین کارگزار سیاسی آن در کشور ما میباشد، در نتیجه یکی از وظایف ملی انقلابیون ایران همانا رسوا ساختن این حزب کمپرادوری است.

### بیرامون مواضع

ایران و عراق، به درگیری ها پایان دهد، غیر از این هم، بجز انقلاب فلسطین انتظاری ندا - شتیم.....

با سرعرفات چنین کوششی را نمود و به حق هم که بجایی رسید و نمیتوانست هم برسد، چرا که کوششهای بیهودا و رزا و پیسه یک انقلابی نبود، بلکه از یک زاویه مصلحت اندیشی بورژوا - سودا صولا ایشان مدتی است معالغ انقلاب فلسطین را بیشتر رفدای معالسهح طرحهای سازشکارانه و بورژوا - ایی نموده اند، ما از نویسنده گان مشربیه "بازوی انقلاب" این انتظار را ندا شتیم که با صعه گذاردن بر این بی طرفی بورژوا ما با نهیا سرعرفات خود را تا سطح یک مصلحت

اندیشی غیر انقلابی شنسزل دهند، اتخا د چنین روشی شا - بسنه نیرویی نیست که خود را در صف انقلابیون ایران می داند، تناقضی که این دوستان دچارش شده اند، اینکه خود را جلوه سدهنده که از یکسخواهان سارزه علیه متجا ورین هند و از سوی دیگر خواهان قطع فوری جنگ (السته با تا کید برپا زگشت نیروهای متجا ور عراقی به سرحدات گذشته شان) بدون اینکه واقعت پشت این جنگ را، که چیزی جز یک برنا حد برای خفه کردن انقلاب ایران از سوی میرا لیمت ها نیست، توضیح دهند، از یک طرف خواهان مبارزه علیه متجا وز - بین عراقی بودن و از سوی دیگر ناشید مواضع با سرعرفات نمی تواند از یک تحلیل واحد سر - چشمه گرفته باشد.

ریشه حالت غیر معسال مجاهدین خلق (خاصه خارج از منطقه حبه سرد نظامی) و نیز شریات فوق الذکر در همین تحلیلهای نا همگون نا درست نیست به ما هیت این جنگ و نقشه های پشت سر آن است، ایشان با بدست از چنین تحلیلهای غلطی برداشته و آن طوریکه خود مدعی هستند جزا - پیشگامان مبارزه ضد امیریا - لیمتی در عمل درآیند و نه تو - جبهه گر مواضع نا درست با سر عرفات.

یک درس مهم انقلاب فلسطین از میان تحارب گرا - نیبانی که بدست داده، ابست که زما نیکه انقلاب فلسطین بر توده های فلسطینی و عرب تکیه داشت و نیز عملاد مقابل شوروی موضعگیری نموده بود (بلحاظ خصومت خود روسهای روبری - نیست با انقلاب فلسطین که انقلابیون فلسطینی را ترور - بست می خوانند) پیشرفت های بسیار مهمی در عرصه انقلاب خود کرد و از ما سیکه با طر عدم رهروی انقلابی و سوا سطرطن

## گدازین راه

"ارتش پرستان" در مقابل این مردم انقلابی که منعکس کننده نظرات اکثریت قریب با اتفاق مردم خوزستان هستند چه جوابی دارند؟

"بن بست" حاکم بصر جنگ بهیچوجه "بن بست" انقلاب ایران نیست. بلکه بن بست سیاست بورژوازی لیبرالی حاکم برجنگ است! این "بن بست" باید درهم شکسته شود. باید از این "بن بست" بیرون آمد، آمانه شیوه انقلابی! سیاست "انتکاء به ارتش" باید به سیاست "انتکاء به توده های مسلح" بدل شود.

**\* \* \*** شرایطی را که در سالها با اختصار توضیح دادیم، در گرایش متفاد در ارتش خود میپروانند. بعبارت بهتر به دو نوع میتوان از "بن بست" خارج گشت.

**اولا** - گرایش به سازش، گرایش به تسلیم در مقابل دشمنان انقلاب ایران، اسیر قدرتتها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا. آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که به سیر قدرت توده های مردم ز که از آن سخت میهراسند ( بلکه سیر ارتش تکیه میکنند، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که ردیلانه در پی به انحمار در آوردن تمام و تمام قدرت حتی در ایسین شرایط جنگی میباشد، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که در بحبوحه جنگ به تفرقه افکنی مشغولند، انقلابیون را دستگیر کرده و بزنند آن می - ابتدا زندودریوست خود نمیکند از اینکه شهرهای جنوب "خالی"

شده اند و میتواند بی دغدغه "خلفی ها" را با رما رکنند و به این خاطر دارو دستهای مسلح خود را سیرما حنه اند و... آن نیروهای سیاسی - اجتماعی محل اصلی این گرایش تسلیم

طلبانه میباشد. امروز " حزب جمهوری اسلامی " در ارتش این گرایش تسلیم طلبانه پیشقدم گردیده است.

راه حل خروج از " بن بست " طبق این گرایش تسلیم طلبانه به خاطر روحیه انقلابی مردم در امپریون رانسیدن کامل ارتش تجاورت عراق نمیتواند " آتش بس " خشک و خالی با وجود نیروهای بجنی در ایران باشد. تسلیم و سازش بر سر مسئله ای دیگر و آنهم سه

اسامه در ارتش است. اما در ارتش تسلیم طلبانه، بلکه در برابر قدرتتها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا صورت خواهد شد پذیرفت. این نیروهای سیاسی - اجتماعی مارشکسار و بعضا فدا انقلابی و مرتجع در

آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، موقعیست را " مفتنم " دانستند تا معا - طه ای اثر تکیه دهند. این نیروهای سیاسی - اجتماعی " فکر " میکنند که بعطت عدم روحی بودن با ندر رهبری کنند

امپریالیسم آمریکا، بهترین زمان برای گرفتن " امتیازات " و راهی گروگانهاست، چه پس از تعیین تکلیف استخبارات در آمریکا، با ندر رهبری کنند " کاخ سفید " هر که با تده سخت سران نیست به ایران حرکت خواهد کرد. البته ایسین سازش و تسلیم در مقابل امپریالیسم آمریکا، میباشد با خروج نیروهای عراقی از ایران نیز هماهنگ کردند. آن موقع دیگر نیرو نمیکنند که

نیروهای بجنی بطور " مسالمت آمیز " کورشان را کم میکنند و یا اینکه برای فریب توده های مردم ارتش ایران به "بستک" پیروزی جارق العاده " نظامی " دست یابند. !! بهمین خاطر هم هست که بررسی مسئله " کورگانها در مجلس سربا آغاز می - کرده، بهمین خاطر است که جناب رفسنجانی در " مصاحبه " تلخنی اختتامی با آسوشیتد پرس " احتمال محاکمه " گروگانها را " بسیار کم " ارزیابی کرده اند: " آقای هانمی رسجانی ... گفت امکان کمی هم وجود دارد که گروگانها به محاکمه کشیده شوند، او پیش بینی نکرد که شرایط آزادی گروگانها چه خواهد بود اما گفت این شرایط شامل آنچه که پیش تر آنجا تکیه جیبی اعلام کرده بود میشود. " ( رادیو آمریکا - نقل شده در " انقلاب اسلامی " ۲۹ مهر ۱۳۵۹ )

آمریکایی با شتم تیرا مهربان - لیبستی خود و جود این گرایش تسلیم طلبانه را اح کرده اند. همین گرایش تسلیم طلبانه حزب جمهوری اسلامی است. این امر به این معنا نیست که بورژوازی لیبرال، ومنجمله سنی صدر، با این گرایش بطور اصولی اختلافی دارند. ولی در شرایط کنونی که " ابتکار عمل " در پیشبرد این تسلیم طلبی با حزب جمهوری اسلامی است ( بخصوص پس از تشکیل " شورای ملی دفاع " که علیرغم عداوتها های بنی صدر، بزنگاه " حزب جمهوری اسلامی " است ) و با اصطلاح تمام " میوه های " رسیده از این تسلیم طلبی در دامان با ندر قیسیب خواهد افتاد، بنی صدر خود را مصلحتی کنار کشیده است!

بنابر این نوع اول خروج از " بن بست " تسلیم در مقابل امپریالیسم آمریکا بطور خاص و با بر قدرتتها بطور عام است! البته سرمداران این گرایش تمیانتکارانه، بنظر میرسد که یک مسئله مرکزی و مهم، بجنی مغالفت توده مردم با این گرایش را نایافته گرفته اند!

**ثابثا** - گرایش به سازش، گرایش به تسلیم در مقابل دشمنان انقلاب ایران، اسیر قدرتتها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا. آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که به سیر قدرت توده های مردم ز که از آن سخت میهراسند ( بلکه سیر ارتش تکیه میکنند، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که ردیلانه در پی به انحمار در آوردن تمام و تمام قدرت حتی در ایسین شرایط جنگی میباشد، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که در بحبوحه جنگ به تفرقه افکنی مشغولند، انقلابیون را دستگیر کرده و بزنند آن می - ابتدا زندودریوست خود نمیکند از اینکه شهرهای جنوب "خالی"

و بی جهت نیست که امپریالیسم آمریکا، ناگهسان تبلیغات خود را در مورد آزادی گروگانها وسعت بخشیده، بی جهت نیست که جناب کاترین قول با زپرداخت سربسج ای میلیاردها دلار ایران را از صورت آزادی گروگانها میدهد، و با لائرازان حتی پیشنها دقعات بدگی و اسلحه نیز مینماید، بی جهت نیست که ناگهسان ادوئندما سکی سرسختانسه از " تمامیت ارضی ایران " دفاع میکنند و از " تجهیز " ایسران خود را " بیمناک " نشان می - دهند. ... چون امپریالیستها

آمریکایی با شتم تیرا مهربان - لیبستی خود و جود این گرایش تسلیم طلبانه را اح کرده اند. همین گرایش تسلیم طلبانه حزب جمهوری اسلامی است. این امر به این معنا نیست که بورژوازی لیبرال، ومنجمله سنی صدر، با این گرایش بطور اصولی اختلافی دارند. ولی در شرایط کنونی که " ابتکار عمل " در پیشبرد این تسلیم طلبی با حزب جمهوری اسلامی است ( بخصوص پس از تشکیل " شورای ملی دفاع " که علیرغم عداوتها های بنی صدر، بزنگاه " حزب جمهوری اسلامی " است ) و با اصطلاح تمام " میوه های " رسیده از این تسلیم طلبی در دامان با ندر قیسیب خواهد افتاد، بنی صدر خود را مصلحتی کنار کشیده است!

بنابر این نوع اول خروج از " بن بست " تسلیم در مقابل امپریالیسم آمریکا بطور خاص و با بر قدرتتها بطور عام است! البته سرمداران این گرایش تمیانتکارانه، بنظر میرسد که یک مسئله مرکزی و مهم، بجنی مغالفت توده مردم با این گرایش را نایافته گرفته اند!

**ثابثا** - گرایش به سازش، گرایش به تسلیم در مقابل دشمنان انقلاب ایران، اسیر قدرتتها و در درجه اول امپریالیسم آمریکا. آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که به سیر قدرت توده های مردم ز که از آن سخت میهراسند ( بلکه سیر ارتش تکیه میکنند، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که ردیلانه در پی به انحمار در آوردن تمام و تمام قدرت حتی در ایسین شرایط جنگی میباشد، آن نیروهای سیاسی - اجتماعی که در بحبوحه جنگ به تفرقه افکنی مشغولند، انقلابیون را دستگیر کرده و بزنند آن می - ابتدا زندودریوست خود نمیکند از اینکه شهرهای جنوب "خالی"

و بی جهت نیست که امپریالیسم آمریکا، ناگهسان تبلیغات خود را در مورد آزادی گروگانها وسعت بخشیده، بی جهت نیست که جناب کاترین قول با زپرداخت سربسج ای میلیاردها دلار ایران را از صورت آزادی گروگانها میدهد، و با لائرازان حتی پیشنها دقعات بدگی و اسلحه نیز مینماید، بی جهت نیست که ناگهسان ادوئندما سکی سرسختانسه از " تمامیت ارضی ایران " دفاع میکنند و از " تجهیز " ایسران خود را " بیمناک " نشان می - دهند. ... چون امپریالیستها

و بی جهت نیست که امپریالیسم آمریکا، ناگهسان تبلیغات خود را در مورد آزادی گروگانها وسعت بخشیده، بی جهت نیست که جناب کاترین قول با زپرداخت سربسج ای میلیاردها دلار ایران را از صورت آزادی گروگانها میدهد، و با لائرازان حتی پیشنها دقعات بدگی و اسلحه نیز مینماید، بی جهت نیست که ناگهسان ادوئندما سکی سرسختانسه از " تمامیت ارضی ایران " دفاع میکنند و از " تجهیز " ایسران خود را " بیمناک " نشان می - دهند. ... چون امپریالیستها



### کدامین راه

آفتاب تابان روشن شده است . حتی آیت الله خمینی نیز بطور صحتی به این امر اعتراف کرده است :

" فرماندهان نظامی ... نیروی رمیسی را با اقسام سلاح ها و تویپها تقویت کنند و بدانند که ما معاهد را این امر نریخته‌اند و ملت گناهی نابخشودنی است و از مواظبت آن بر خیزد باید ."

( از پیام " ما می‌مانیم هست عید قربان " - تا کید از مامت ) .

کار شکنی فرماندهان ارتش و نیروهای انحصار طلب و فئری ، و بورژوازی از تسلیم شده ، مردم ، شدت اعتماد مردم را از ارتش و نیروهای سیاسی رهبری کننده ارتش طلب ریخته است . مردم از اینکه خود نقشی در دفاع از انقلاب و همین خویش ندارند سخت خشمگین اند و خواهان تحقق این امر حیاتی هستند . این گرایش انقلابی ، محمل اصلی اش فعلا در میان طبقات کارگر ، زحمتکشان شهر و خرده بورژوازی شهری ، در میان اقشار طبقات فقیر و تهی دست شهری ، میباشد . بی جهت نیست تنها کسانی که شهرهای زیر خمپاره جنوب را ترک نکرده اند ، در مخالت فقیر نشین متمرکز هستند ، و به همین خاطر است که بعضی های مزدور اما سا محلات فقیر نشین را هدف خمپاره ها و موشکهای خود قرار داده است . این گرایش در عمل در آبادان قاطعیت خود را نشان داد و زمانیکه جوانان انقلابی شهریزور شهیدان ازها دکان اشک گرمندوبه جبهه جنگ رفتند .

در این میان نقش آیت

الله خمینی قابل تقدیر است . در حالیکه پیروان دروغیسی آیت الله خمینی چون فارو دسته ، حزب جمهوری اسلامی در پی سازش و تسلیم است ، خود ایشان شکیه خود را برای درهم شکستن

بغیه از صفحه ۹۳

تجاوز عراق بروی توده مردم میکنند آمد : " اولاً به ملت ایران هتداریست که تودرا میباکنند و اطلحه های کشور را آماده کنند و حال آماده باش با تشکله اگر خدای نخواسته محتاج به بسیج عمومی شود امر به جها مقدس عمومی داده شد تورا به میدان رفته و از دیسی خدا و کشور اسلامی دفاع نماید . تا اینها بفرای انتظامی احضار میکنیم که ما کمال حدت و سستی نیست وقت ساز و سرگرد را که سه خدا الله در حد کما می در اختیار رزمندگان به فرای مکتب و جبهه سایر جوانان مداکار گذاشته و کورجگترین مسامحه را احاطه ندادند ... ( از " پیام امام به مناسبت عید قربان " - تا کیدات از مامت ) .

کمونیستها و انقلابیون باید پیشگام پیروان شدن و شکوفا نمودن کامل این گرایش انقلابی و تبدیل این خواست فئینی توده مردم به جنبش عمومی قادی باشند . نیروهای کمونیستی و انقلابی میبایستی به توده گوزرند کنند که " جها مقدس عمومی " هم اکنون است . اکنون احتیاج به توده مطلع در جبهه جنگ است تا اثرات ریشخنی را تا رومار کرد و در عین حال گرایش تسلیم طلبانه ای کسه در طبقات و اقشار مالکین ، سوزروازی ملی و لیبرال و خرده بورژواهای دنباله روی آنها به عزمه عملی نزدیک شده است . از میان بر داشت و انقلاب را به پیش برد .

کمونیستها و نیروهای انقلابی باید در مقابل هرگونه

انحصار طلبی و تعرقه افکنی در صفوف توده مردم که امروز اساساً به شکل جنرگیسری از مبارزه مردم و نیروهای سیاسی انقلابی علیه اشرا ربعیسی ظاهر میگردد ، شدت مقابله کرده و توده مردم را علیه این فئری گریها و انحصار طلبی های ارتجاعی شورانند !

کمونیست ها و نیروهای انقلابی باید با شیونده سازی "منهورا شده کد" وحدت فرماندهی " را که کاملاً مسرود احتیاج است ( ولی نسبت بهسرت تشکیل " شورای عالی دفاع " که فرماندهی از دست بورژوا لیبرالی بدست تسلیم طلبند مینامی میدهد ) فقط سران این شرکت مستقیم توده مردم در امر مبارزه با اشرا ربعیسی ، بر اساس سازماندهی توده مردم و متحد کردن آنها در این جنگ ، به منظور استفاده از حداکثر توانایی همه مردم در این مبارزه میبایست توان موجود آورد ! و ...

کمونیستها و نیروهای انقلابی فقط با جانفشانی با پیشقدم شدن در مبارزه با اشرا ربعیسی ، قادرند این امر اساسی حیاتی را به پیش بترند .

ما دو میاست متصل به توده گرایش متضاد و دور راه حل متضاد را در پیش رود و در سیاست ورنکسته " اشکله پیراوتسکن " که جنگ را به " بین بست " بسته گرایش تسلیم طلبی در مقابل امیریا لیم پیاده و انقلابی را به پیراهه سازش و تسلیم متوق میدهد . در مقابل سیاست اشکله به نیروی بتوان توده مردم که به گرایش انقلابی و دفاع از امر انقلاب و استقلال میباشند توسط مردم صلح پا داده و خروج از " بین بست " گذاری را به شکست اشرا ربعیسی و پیشرفت واقعی انقلاب میسر میبندد !

انقلاب کدامین راه را در پیش میگیرد ؟ ما خواهان

پیرامون مواضع ..

های مشترک آمریکا و شوروی علیه انقلاب فلسطین ( نمونه سازان طرح را هرگز گرو میگویند ) . بحای تکیه بر توده مستنردیم فلسطینی بعنوان یک اهل بر دول مرتجع عرب ( در کنار دول مترقی عربی ) و بر دیپلماسی و جلسه بازی تکیه نمود ، انقلاب فلسطین نیز دچار این بستی شد که جز از طریق شکستن مناسبات بورژوازی حاکم بر آن وتکیه بر مبارزه مسلحانه توده ای - خلق دلاور فلسطین ( بعنوان یک اهل ) نمیتواند خود را از این بست رها سازد . اشکلات ایران اکنون شرایطی را داراست که زمانی جنبش فلسطین در اوج مبارزه انقلابی خود دارا بود . ولیکن بواسطه عدم لیاقت طبقاتی دولت مردان و نیروهای حاکم برجش توده مردم می تواند یکجراه وین بستی برسد که انقلاب فلسطین تجربه آنرا بدست داده است . از این نگاه بر بدین گیریم و بوظایف انقلابی خود در جهت پیشبرد امر انقلاب ناکید و روزیم !

### حقیقت ارگان

### اتحادیه

### کمونیست های

### ایران را

### بخوانید

بیشرفت انقلاب هستیم ! برای تحقین این امر باید جانفشانی کنیم ، جانفشانی کنیم و با جانفشانی کنیم . راه دیگری موجود نیست !

## حزب رنجبران...

لایم قرار داریم. همه تضاد های اساسی جهان در حال شدت با بی همتی هستند. بخصوص اولتیماتوم خلقی و امپریالیسم که همه انقلابات صدام امپریالیستی و توده های پامیده همدگدا انقلابات

بقیه از صفحه ۹۳  
ایران و نیکاراگوئه و... طلایه های این روند انقلابی مهم می باشند، و شانیا "تصادفینسن امپریالیستیها و خصوص دوایر قدرت آمریکا و شوروی که دنیا را بسوی جنگ جهانی سوم سوق میدهد.

هر دو ابر قدرت در پی سرکوب انقلابات خلقیهای جهان هستند. در عین حال کوشش می کنند تا این انقلابات را در مسیر اصلی خود یعنی چیست گیری علیه هرگونه وابستگی به هر دو اردوگاه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم، منحرف ساخته و این انقلابات را در جوار چوب رقابت های خودیسه بازی میگیرند. در حقیقت دوایر قدرت و عمل آشکار و پنهان آنها میکوشند تا تضاد خلقی با امپریالیسم را در تمام ادوات و ابر قدرت مستحیل ساخته، انقلابات را متکی به یکی از دو ابر قدرت بنمایند و از این انقلابات برای تضعیف رقیب سود جویند. مثالها در این مورد فراوانند: "دفاع" امپریالیسم آمریکا از جنبش افغانستان چون این جنبش علیه سوسیال امپریالیسم می جنگد، و "دفاع" سوسیال امپریالیسم شوروی از انقلاب نیکا را گوته و ایران چون هدف بلاواسطه این انقلابات امپریالیسم آمریکا بوده و می باشد.

کلگزاران آشکار و پنهان سوسیال امپریالیسم شوروی برای این منظور، رویزیونیست های خروچیفی، و در ایران بطور مشخص حزب توده ایران است. "شوری" "یکه تحت لوای آن

های "جهان دوم" هم ملاحظه "بی طرفی" و "مخالفت" بسا جنگ ایران و عراق ناوهنای جنگی خود را به خلیج فارس گسیل داشته اند!! "رنجبر" از مردم میخواهد تا چشم خود را بروی واقعیات بسندند و ببینند که این "کشورهای منطقه" "اساسا" مخالف حضور ابر قدرت شوروی هستند و نه "سیمناک" از حضور آنها با آمریکا شیتان. "رنجبر" هم بدرد همین کشورهای "جهان سوم" "ایضا" "اسلامی" و "ایمان" "مسایه" "مستلاست" "سنا بر این "رنجبر" در پی پیوسته سیاست بین المللی نیز خواهان هل دادن رژیم خمینی به سمت اردوگاه امپریالیسم آمریکا، در فدیت با ابر قدرت شوروی است. کلاما منطبق با سیاست داخلی "رنجبر". این "اتحاد بزرگ بین المللی" نیز یک خیانت تاریخی از آب در آمده است! "رنجبر" در گساری شکسته ای که ملک حسین و ضیاء الحق و شیوخ مرتجع عرب بر آن سوارند، به دامان امپریالیسم آمریکا گریخته است!

### ۳- هدف رنجبر و

### رویزیونیستها از این "وحدت طلبی" های "ملی و بین المللی"

چیست؟  
مادر متنی یکی از بزرگ ترین بحرانهای جهان امپریالیستی

اتکاء به سوسیال امپریالیسم توجیه می کرده، "شوری" منحصط راه رشد غیر سرمایه داری از طریق اتکاء به "اردوگاه سوسیالیستی" کذایی، "تقسیم کار" بیسیس المللی "و... است.

کارگزاران آشکار و پنهان امپریالیسم آمریکا برای این منظور، پیروان "شوری" "جهان" "و در ایران بطور مشخص "حزب رنجبران" میباشند. "شوری" "یکه تحت لوای آن اتکاء به امپریالیسم آمریکا توجیه میگردد، "شوری" "جهان" "بی آزار" شدن و نزول امپریالیسم آمریکا، در رنده خوب بودن و در حال رشد بودن سوسیالیسم امپریالیسم شوروی و... است که این "شوری" در اساس با "شوری" رویزیونیستی خروچیفی فرقی ندارد.

هدف هم "رنجبر" و هم "حزب توده" از زوایای مختلف آنست که انقلاب ایران را از مسیر اصلی خود منحرف ساخته و آن را در چارچوب رقابتها و کشمکشهای دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی محصور کنند. این است که "حزب توده" از "جهت" "متحد خلقی" "ای دم میزند که بسا شوروی کناره یابد، و "رنجبر" از "اتحاد بزرگ ملی" "یکه بسا آمریکا کاری نداشته باشد، "این است که "حزب توده" برای بساز سازی اقتصاد ایران به "تقسیم کار بین المللی" و "کمکهای" اردوگاه شرق ما را رجوع میدهد و "رنجبر" به کشورهای "جهان دوم" و "جهان سوم" "این است که "حزب توده" میخواهد ارتش بر مبنای "مدل سنتی مسکو" سازمان یابد، و "رنجبر" بسا لعکس میخواهد ارتش بر مبنای "مدل سنتی" "تروائنگتن" و... هدف "رنجبر" و "حزب توده"

روشن است. غلط آن عده بی آبرویی که نام "کمونیست" نیز بر خود نهاده اند و ملی انقلاب ایران را نفی میکنند، در مقابل بل تجا و آمریکا بی عراق مردم را به "جنگ داخلی" "دعوت می

کنند و... در عمل همان میکنند که "رنجبر" و "بیا" "حزب توده" می خواهند. رهبران مرتد "پیکار" با اعلام عدم دفاع از انقلاب و صیمن، در حقیقت و در عمل، این وظیفه را به ارتش سپرده اند، و راه را برای تاخت و تاز رویزیونیستها در عرصه جنبش با زکذا رده اند، رهبران مرتد "پیکار" با نفی انقلاب ایران و با اعلام اینکه جنگ از هر دو سوار تجا می است و هر دو رژیم صدام و خمینی ارتجاعی هستند، در حقیقت و در عمل راه را برای کشتیدن رژیم خمینی بسوی یکی از ابر قدرتها باز نموده اند و... "پیکار" با این سیاست خائنانانه، بزرگترین خدمت را به امپریالیستها، رویزیونیستها و عمال آنها میکند.

بلائک میبایستی مبارزه ای قاطع و جدی با "رنجبر" و "حزب توده" انجام گیرد، چیه اینان آشکار و مخفیانه در تلاش گسترده ای برای وارد کردن ایران در دسته بندیهای امپریالیستی هستند. بلائک نباید با سیاست خائنانانه ترو و تسکینی بلکه به این رویزیونیستهای خائن میدان میدهد، پیوسته خیانت "پیکار" به جنبش کمونیستی و به مردم ایران رو- شن و صریح، جدی و در عمل سرز بندی قاطع نموده!

مروری برجسته...  
تبلیغات منفی رایج میگردند شده بودند. البته همانطور که شلا هم در "حقیقت" یادآوری شده بوده ای از اعماء و هواداران گروههای انحرافی که برخلاف نظرات انحرافی و فرصت طلبانه رهبرانشان و به تبعیت از حرکت انقلابی توده ها در فعالیت های مبارزاتی شرکت دارند و بدون شک دیر یا زود خود را با اپورتونیسم نا جوان - مردانه خاکم بر گروههای ایشان خواهند کشید.

## حزب رنجبران...

لیسم آمریکا و در صدمیت کل این مجموعه با بر قدرت ضروری می باشد شکل گیرد. بر مبنای این "استراتژی سویی"، "رنجبر" و همفکران بین المللی اش از هارترین محافل امپریالیستی تا آنجا که بر علیه بر قدرت شو...

ان "در حقیقت هیچ چیز نیست جز تقویت اصلی ترین نهادی که امپریالیسم آمریکا در ایران بر آن تکیه دارد. "وحدت" "حزب رنجبران هیچ نیست جز "اتحاد همه" ضد انقلابیون و سازشکاران در زیر پرچم ارتش آمریکا پرورده و سازمانده از نظام شاهنشاهی، "جهاد وحدت" "حزب رنجبران" در حقیقت یک خیانت بزرگ ضد انقلابی و ضد میهنی است! "رنجبر" موار بر گاری و رشکسته ارتش چهار سل بسوی کاخ سفیدی تازد البته "رنجبر" این "افتخار" را دارد که موار بر گاری ای با "تکنیک پیشرفته" - شاید یک تانک - بسوی سر منزل مقصود می رود!!

## ۲- تلاش مذبحخانه رنجبر برای ایجاد اتحاد بزرگ بین المللی!!!

"رنجبر" بر مبنای تئوری منحنی و روبریونیستی "سه جهان" نه تنها در پی "اتحاد بزرگ ملی" است بلکه هم چنین در کنار سایر برادران بیسن المللی اش در تلاش ایجاد یک "اتحاد بزرگ بین المللی" نیز می باشد. این "اتحاد بزرگ" در مقیاس جهانی بر پایه "اولا" - اتحاد کشورهای "جهان سوم"، "ثانیا" - اتحاد کشورهای "جهان دوم" یعنی کشورهای امپریالیستی اروپا و ژاپن و ثالثا، اتحاد این دو دسته با امپریالیسم

دو کشور اسلامی و جهان سومی همسایه، از طریق مخالفت آمیز قابل حل باشد و جنگ را توجیه نماید" (رنجبر شماره ۱۰۹ - ۱۳ مه ۱۳۵۹). تاکیدات از ما است! عجب تحلیل دانه ای! ما چشم را بر خدمت به دوا بر قدرت می بندیم!! (البته "رنجبر" قصد از این امر که این نجات عراق بر مبنای سیاست امپریالیسم آمریکا صورت پذیرفته، ظفره می رود و آن را مطرح نمی سازد) آنگاه "رنجبر" بماند میگوید این جنگ "تجاوز - کارانه و غیر عادلانه" است چون عراق و ایران هر دو کشور "جهان سومی" هستند و بالاتر از آن "اسلامی" و "همسایه" نیز میباشند و این همه خصائل مشترک!! "جنگ را توجیه نمی نماید!!" برای "رنجبر" اسلاما هیت طبقه ای دور زیم ایران و عراق، سیاست امپریالیستی در هم شکستن انقلاب ایران و... اهمیت ندارد، "رنجبر" در پی ایجاد "اتحاد بزرگ بین المللی" است و هم عراق و هم ایران در این اتحاد می گنجد. فرق نمی کند شاگردان برای ایران حکومت میکنند یا رژیم خمینی برای "رنجبر" علی السویه است، صدام در عراق حکومت میکند یا یک رژیم مترقی و... بنا بر این "رنجبر" می خواهد این تهاذ کوچک!! بیسن ایران و عراق حل خود، آنها هم بطریقه، مخالفت آمیز!! برای همین نظرات "متحدین" دیگر را مطرح میسازد: "اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان سوم و بسیاری کشورهای جهان دوم با درگیری میان ایران و عراق مخالفند" ("رنجبر" شماره ۱۰۵ - ۳ مه ۱۳۵۹) ولابد برای همین "مخالفتهاست" که ملک حسین و ملک خالد همه، مرتجعین منطقه مدافع از عراقی برخاستند تا زودتر!! جنگ تمام شده و "رنجبر" از کنار همه، این وا - قعیات با "بزرگواری" خاص خود می گذرد!! برای همین امپریالیسم

"رنجبر" با ضیا، الحق آمریکا - بی به مباحثه می پردازد و تناسبا "مطبوعات را احیران کرده باشد. آخر ضیا، الحق هم در این "اتحاد بزرگ بین المللی" می گنجد. "رنجبر" رگ گردنش سیخ میشود! اگر کسی به ضیا، الحق بگوید که سوکرا آمریکا است: "در حاشیه" ضیا، الحق و سایر عرفات به ایران که از طسرف کنفرانس کشورهای اسلامی برای جستجوی یک راه حل مخالفت آمیز برای خاتمه دادن به جنگ عراق علیه ایران انتخاب شده بودند چیزی که بسیار رسیده بود حمله بسیار شدید بود مستقیم بعضی از رسانه های گروهی ایران به رهبران پاکستان و فلسطین بود. بطوریکه بعضی از این رسانه ها حتی آنان را نوکران آمریکا و روسیه و ماورا از طرف ابرقدرتشان - میدند" (رنجبر ۱۰۹ - ۱۳ مه ۱۳۵۹) ما تا آنجا که بیا مداریم کسی با سر عرفات را "نوکر" روسیه نخواهد در هر صورت اعتراض "رنجبر" به این است که چرا ضیا، الحق را کسی نوکر آمریکا خوانده است. عجب تهمت بی شرمانه ای!! "رنجبر" در ضمن نصیحت به هیات حاکمه در مورد محکم گرفتن "جبهه دیپلماتیک" بدانها گوشزد میکند که کشورهای منطقه را دریا بند چون کشورهای منطقه از حضور نظامی دو ابر قدرت در آبهای محاذ کشورشان بیسنا کنند" ("رنجبر" شماره ۱۰۵ - ۳ مه) لابد میبینیم خاطر هم هست که عربستان سعودی با یکاها پیش را در اختیار آمریکا قرار داده، ترکیه رسماً به آمریکا اجازه استفاده کامل از خاک این کشور را داده است. بحرین به ناوهای جنگی آمریکا پناه داده و عمان پایگاه در اختیار آمریکا گذازده، مصر، اسرائیل، سومالی، پاکستان و... نیز همین ترتیب. لابد کسی چه میداند!!؟ لاسد کشور بقیه در صفحه ۱۵

سند) ناکدشته ناپاک ارتش را نظیر سازند، تا برای کودتای کری آینده، خوش ارتش را آماده سازند، و وابستگی نظامی ایران را به امپریالیسمها و ابرقدرتها تحکیم و توسعه بخشند! این سیاست

## حزب رنجبران...

شماره ۱۸ صفحه ۱۸

از جانب سورژوازی لیبرال ایران دنبال می کرده است. نظریه ورکنند و صد انقلابی خود در مورد ارتش را بحق جلوه دهد، چون از نیروی مسلح بوده ای میسر است و آن را خطری برای خود نمی بیند.

رنجبر سزار همیسن  
سیاست پیروی میکند. در ظاهر ممکن است چنین نظر آید که "رنجبر نظرات سورژوازی-لیبرال ایران را منعکس می سازد، و در واقع کوشش جارق العاده ای سیر در این زمینه از خود بروز میدهد، ولی ما موثکافی دقیق تر معلوم می کردیم که "رنجبر" در حقیقت نظرات ستاد مشترک ارتش را منعکس ساخته و کوشش در تئوری بزه کردن نظرات سورژوازی-لیبرال برای جهت دادن کامل آنها به اتحاد و اتفاق کامل با فرماندهان آمریکایی ارتش دارد. "رنجبر" میخواهد نقش پل بین لیبرالها و کودتاگران را بازی کند!

"رنجبر" اولاً - در پی آن است که با "وحدت شماره ۱" خود تمام فرماندهی کل نیروهای مسلح (اعم از ارتش، پادگان، بسیج و حتی گروههای مسلح توده ای) را در اختیار ستاد مشترک قرار دهد. اسم این "وحدت"، "وحدت کلیه نیروهای مسلح کشور است، ثانیا - در پی آنست که فرماندهان آمریکایی ارتش را در رأس رهبری سیاسی - نظامی جامعه قرار دهد. نام این "وحدت" شماره ۲، "وحدت عشق و فرماندهی سیاسی و نظامی کشور" است، ثالثاً - در پی نظیر

می بیند، و دوم آن سیاست سازشکارانه و ضد انقلابی ای که مقابل با تجاوز عراق را اساساً بر دوش ارتش می بیند، اول آن سیاستی که مبارزه، پیروزمندان در مقابل امپریالیسم و منجمله مقابل با تجاوز عراق را در گرو برآوردن اداختن جنگ تنیده ای میدانند، و دوم آن سیاستی که میخواهد در مقابل تجاوز عراق با اصطلاح پیوسته "جنگ کلاسیک" ارتش یا ارتش را بدیش برد، خود پیشرفت جنگ، علیرغم تمام دروغهایی که "رنجبر" می یابد (بمنسوان مثال کعبه، مشغولانه ریشیس حزب رنجبران در خوزستان مبنی بر اینکه اگر این ارتش نبود، واقعا معلوم نبود تکلیف ما در خوزستان چه میشد؟! البته ما هم نمی دانیم تکلیف "رنجبر"هایی چه میشد) نشان داده است که در سخت ترین شرایط این اساساً توده مردم مسلح بودند که در مقابل ارتش عراق ایستادگی کردند، به خرمشهر و آبادان و تجربه، فرماندهان این دو شهر قهرمان نظری بیاندازید تا متوجه شوید که کدام سیاست درست است!

اتکا، بر سیاست "جنگ کلاسیک" ارتش یا ارتش، اولاً - از جانب فرماندهان آمریکایی ارتش، و ثانیاً از جانب سورژوازی لیبرال ایران به پیش گذاشته شده است. این سیاست از جانب فرماندهان آمریکایی ارتش پیروین است - فشاری میخورد تا موقعیتشان در نظام حکومتی، کاملاً تثبیت شود، (و حتی تا راس فریادندگی سیاسی نظامی جامعه بالاسد

کامل ارتش، در پی زدودن هر گونه بی اعتمادی بحق مردم نسبت به نظام ارتش میباشد. این سیاست کاملاً منطبق بر خواسته های شیطانی فرماندهان آمریکایی ارتش است. "رنجبر" در انعکاس نظرات فرماندهان ارتش تا بدانجا با پیش می گذارد که حتی خرید اسلحه از امپریالیستها را نیز جایز می شمارد: "جنگ تحاور کارانه، حکومت بعث عراق با شفافیت تمام نشان داده است که ما به ارتش منظم، قوی و رزمنده احتیاج داریم که باید اتحاد ممکن و تا آنجا که ممکن استقلال و حاکمیت کشورمان لحظه نزنند، به تکنیک پیشرفته جنگها مجهز باشد" (رنجبر شماره ۱۵۵ - ۳ مهر ماه ۱۳۵۹) فقط یک سوال میماند و آنهم این است که این "تکنیک پیشرفته" در کجا پیدا میشود؟ البته "رنجبر" تا آنجا می گوید که ما با ابر قدرت روسیه مخالفیم چون شوروی میخواهد تا ایران "ارتش و سلاحهای نظامی خود را بر مبنای مدل سنتی پیشینها، دی مکتوب جدید سازمان کند" (رنجبر شماره ۱۱۵ - ۵ مهر ۱۳۵۹) "رنجبر" شدیداً با این امر مخالف است، البته نه برای اینکه با تجدید ساختار ارتش بر مبنای ایجاد یک ارتش پیشرفته ای موافق است. (چون آن "وعده" سرخرمن "اسبت و تکنیک پیشرفته ای" در آن یافت نمی شود) بلکه بخاطر اینکه ارتش ایران باید بر مبنای "مدل سنتی" آمریکا بی تکامل "یابد". (اگرچه "رنجبر" شرط و شروط "تأحد ممکن" و "عدم لطمه به استقلال" پیش میگذارد، ولی همه این حرفها در انتها حرف مفت است. چون از نظر "رنجبر" ما برامیر - با لیستهای متحد آمریکا خواه استقلال طلب، استقلال خواه هستند و "تکنیک پیشرفته" آن ها کاملاً مستقل است.)

"رنجبر" بدین ترتیب با دفاع بی قید و شرط از ارتش

کودتاگر (همان ارتشی که در ۱۸ تیر سال توطئه کودتای نافرجام را ریخت) در حقیقت مهم ترین و اصلی ترین نیادی که امپریالیسم آمریکا در داخل بروی آن تکیه دارد دولت قویست میکند و میخواهد آن را در رأس جامعه قرار دهد. این سیاست، سیاست بدنه بدترین دشمنان انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا و طبقات بورژوا - فئودال سرنگون شده است. "مبارزه با دوا بر قدرت" "رنجبر" به مبارزه با شوروی در اتحادیه با نوکران امپریالیسم آمریکا تبدیل میشود.

در اینجا نکته، کوتاه می نبرد مورد "وحدت شماره ۲" که بسیار مورد علاقه "رنجبر" می باشد، گوشه، (وحدت شماره ۲) "جریان" اصطلاح "سوسیالیسم انقلابی"، "ملی گرایی مترقی" و "اسلام مبارز" "سوسیالیسم انقلابی" "یکه" "رنجبر" درباره آن صحبت می کند یعنی "حزب رنجبران"!! "ملی گرایی مترقی" "رنجبر" نیز از قماش ابوالفضل قاشمی ساواکسی، نزیه فراری، و امثال فرماندهان "مترقی" و "ملی" ارتش میباشد. "اسلام مبارز"ی که "رنجبر" برای آن دل میسوزاند همان "اسلام" "رحیم" و "از خود گذشته" است که در بهترین حالت کسانی مانند زرگان و نهضت آزادی از آن هواداری میکنند (در "مفولذتی است که در انتقام نیست!!") و "رنجبر" برای این "وجدت" شماره ۲ "بیمار" ارتش "قابل است و آن را پایه و اساس "سه وحدت" دیگر می انگارد. دقیقاً هم همینطور است، همانطور که گفتیم "رنجبر" میخواهد نقش پل را بین لیبرالها و کودتاگران بازی کند، این "وحدت" شماره ۲ "فقدار داین طرح را بمرحله عملی در آورد. اسم این "وحدت" "اتحاد بزرگ ملی" است! چه اسم بی مسایبی!! "وحدت" "حزب رنجبر" بقیه در صفحه ۱۶

## دعوی حزب ...

رکلام آن بنامند. سرانجام در ۶ مهر ماه دعوی با اصطلاح "بیروان خط روزیگی" و روزنامه "سمران" هیأتی مسؤله که حضرات حزب کفالتی آهسته آهسته خود را عنوان کسود راهی سرای

شبه از متحد آخر...  
 آنها در میان این همه شور و فداکاری سی نظیری که خلق فخر ما را در این روزها در میان حزب جهانیان برای اسلام و تاکید عزم خویش بر هاشمی آری امیربالیسم جهانی و همه فطرت های استعمارشان می دهند. آنها در جستجوی سوراخهای پیرشده و جا مانده های هستند که از محاری آنها فاضلاب کاجهای نظم اربابان غارگر خویشی را به میدان رزم خویش ملت ما جاری سازد. آنها امروز هم از اوج غده های لیسرال از خود راضی را، که از آزادی انقلاب ایران دم زده و برای رهائی در جنگ تحمیلی کوشی همه های سارتی مر می دهد، بهانه کرده راه تسلیم در برابر قدرت شیطانی ارباب خویش را تسلیم میکنند.

ورق پاره "مردم" ارگان نا آرجح به خون کجوبستنها و این حزب کذابی در روزهای آزادیخواهان و توده های بیباک آغازین جنگ نجا و زکارا سه عراق با ایران صرفا به محکوم کردن نقش آمریکا و مزدورانش در این جنگ و بینشی سیاسی ار مقاومت مردم در برابر تجاوز خاشانه رژیم صمت اکتفا می کرد و برای تسلیم سیاست شوروی چیزی نداشت که گوید و یاد در ستراست بگوئیم که هنوز منطحت نمیدید مظلومی را عنوان کند. زیرا دست دولت شوروی در پشت تجاوزکنان و بیعت در کنار دست طراحان و شکن عیان بود و هنوز ایسن دولت موضع ظاهری "بیطرفی" می گوید تا موقعیت کمیرا دوری خویش را عنوان نکرده بود. سه علاوه ما بدیهاتهای برای عرضه کلائی ارباب و مطالبی سرای اهلا در محله نویسندگان "مر"

یکی بدو کردن ورق پاره "مردم" با اصطلاح "بیروان خط روزیگی" یعنی محاصیل لیسرال سوزووازی یا بنسند نهضت آزادی ظاهرا "سررای تحطه و جا اسداختن خط تسلیم در برابر شرق و شوروی است." در "مردم" مواضع لیسرالی در شکتن عیان بود و هنوز ایسن دولت موضع ظاهری "بیطرفی" می گوید تا موقعیت کمیرا دوری خویش را عنوان نکرده بود. سه علاوه ما بدیهاتهای برای عرضه کلائی ارباب و مطالبی سرای اهلا در محله نویسندگان "مر"

دم "سیاستات و نه کرسی شنیدن مواضع انقلابی و استقلال طلبانه ملت ایران در برابر سرنوشتی و دشمنان آزادی بشریت، اشکات و سه کرسی شنیدن توانایی و آمادگی ملت ما برای استادن سروی بیای خویش میمانند. برعم این سوسال کمیر ادورهای وطنی (سوسال نیست در حرف، کمیرا دور در عمل) برای بیوروتشدن در این جنگ و سیرون آمدن از آن اسرواشی که لیسرالها را هراتان و ایسن کمیرا دور مسلکان "فدلیسرال" رایبراهیبایی واداشته است، ساید هر کس و نا کس را که طرح دوستی یا ملت ما میریزد سه حریم انقلاب و کشورمان را میزند حتی اگر ضعی دلخواه ایسن دلان این کس، اشغالگر سرز- مین در بنده مسا به ما امنا- نشان، سرامروز سده جنگهای استعماری در اربیشرد، آنگولا و کما مروج و مسلح کنندگان خود دشمن متجاوز در جنگ کنونی یعنی رژیم صدام باشد. بزبان خودشان: "هر دستی، جسته همما به وجه غیر همسایه، بهموان دوستی نظرت ما بساید، ما آن دست را می فشاریم." ("مردم" ۱۳ مهر ماه ۱۳۵۹) آری! اگر دست شمر و خان معول باشند! حضرات در اینجا خیلی ما پیپی رفته و منطقی را پیش گرفته اند که طبق آن هشردن دست هرگز در لباش میشی از جمله آمریکا فایق توجه میشود، چه در دبیلما سن غریبکارانه، سوزووازی - بین المللی دست های دوستی زیاد تنکان داده میشو آقا بیان "فدلیسرال" برای آنکه حرف دل خود را با ظرافت به خواننده حالی کنند محبورند به منطوق دیبلماسی کمیرا دوری پنهان آورند.

منند بازگشود، مشکلاتی راهم برای تسلیمات اس حرب موجوده آوزد ریرا سهر حال سرخسلاط تسلیمات گذشته حزب ما سرود دولت شوروی در اسجا به اعلام همسنگی ظاهری ما انقلاب ایران در برابر دشمن متجاوز برنظامت، جدی بعدی بهیبهاد کمک نظامی دولت ایران را از طرف سغیر شوروی موضوع میسی بدست رهبران اس حرب برای اشکات حسن ض اربابان خویش داد ("مردم" ۱۴ مهر) ولی با تکدیب نامه وزارت امور خارجه شوروی درباره اظهارات سفیرشان، که برخلاف رسوم کذایی دبیلما سی امیربالیستی در روزنامه های ایران فاش شده بود، دست آقا بیان پویا رده در حنا میاید.

ولی سوکروفا دار در هر سیر شرایطی راه خدمت به ارباب را پیدا میکنند و حزب ما میرده هم این راه را اسراجام پیدا کرد. اگر دولت شوروی در این جنگ دست دوستی سوی مادرارسی کند، تفصیر ما ست که دست دوستی سوی آن در ارنکرده ایم. سوکروفا خوب میفهمد که برای طلب تعقد ارباب با پیدا اول تجاوزی را کشید ولی بدیحتی آنجاست که ایسن دون معیت ملت ما را با خود مشتبه ساخته است. بگذارند از زبان خودشان نقل کنیم: "ما سعی توانیم و نباید منتظرانیم، تا دیگران موضعگیری خود را نسبت به انقلاب و جمهوری اسلام ایران نیست به حقاقت ما سوال سیاست تحوطه گرانیه و تجاوزی آمریکا، نسبت به حقاقت ما در قبال شهاجم نظامی رژیم صدام حسین، شخص کمسند، ما خود ما باید فعال باشیم و در اتحاد موضعگیری دیگر کشورها اثرگذاریم." ("مردم" ۲۶ مهر) سوطو این با اصطلاح "سیاست خارجی کار"، ارباب پس ما سا به حتی از دولت یا کشوری که به ادعای دلان سیا- ستر رهبر "انقلاب جهانی" و بیشتر اول "صهه فدا میریسا - سه در محله ۱۲



### حزب رنجبران...

آن چیزی که "رنجبران" می خواهند از مطرح ساختن "وحدت" شماره های ۳۰، ۲۰، ۱۰ خواننده القاء کنند، تطهیر و نه فقط تطهیر، بلکه تکبیه اصلی بروی ارتش با زمانده از نظام شاهنشاهی است. "رنجبر" شماره

بغیر از صفحه آخر و عازان امپریالیسم آمریکا می ساند، در خصوص، جنگ بیسن ایران و عراق، گویا "حزب رنجبران" موقعیت را مفتنم نموده تا این "تاکتیک" خود را کا ملاتیب نمایند. به نظرات این دارودسته، خیانتکار نگاه می کوتا بیندازیم:

### ۱- چهار وحدت!

### ۲- پاپک خیانت!؟

"حزب رنجبران" فوراً پس از آغاز حمله و تجاوز از اربعه ای یکی دیگر از آن "تحلیلهای" ناب خود را با انجام رسانده و طبق معمول "رهنمودهای شماره ای" خود را تحت نام "چهار وحدت" عرضه کرد.

این "چهار وحدت" کسه "رنج کشیدگان" "حزب رنجبران" در هر شماره در باره آن قلمفرسایی میکنند، چه هستند و مضمون اساسی آن در اوضاع و شرایط کنونی چیست؟ این "چهار وحدت" عبارتند از:

- ۱- "وحدت کلیه نیروهای مسلح کشور" ۲- "وحدت فشرده فرماندهی سیاسی و نظامی کشور" ۳- "وحدت خلق و ارتش" ۴- "وحدت سه نیروی جاسد ما اسلام مبارز، ملی گرای مرفقی و سوسیالیسم انقلابی".

در مورد "وحدت شماره ۲"!! که "حزب رنجبران" مدتی است در باره اش سخن پراکنی کرده است ما بعداً صحبت می کنیم و مضمون آن را می شکافیم و معلاً خود را به بازگشایی محضی "سه وحدت" دیگر که پیرا آغاز جنگ ایران و عراق مطرح شده اند می پردازیم.

"در تاریخ معاصر ایران چنین درجه ای از وحدت و یکپارچگی میان ارتش و ملت هیچگاه دیده شده است... آنها (یعنی ارتش) فرمت تاریخی بزرگی یافتند تا همبستگی عمیق و ناگسستی خود را با ملت ما رزایران بیان دارند" (همه تاکیدات از ما است)

همانطور که گفتیم درد اصلی "رنجبر نویسان" بر سر ساله ارتش است. "رنجبر سخت دلخور است از اینکه جراهن سوز عده ای به ارتش "بغض آلود" می نگرند، "رنجبر نویسان" تمام "نقایص" موجود در جنگ را در این می بینند که جرافرس ماندها ن مزدور ارتش "بنا کساز" شده اند و "رنجبر نویسان" در پیوست خود نیمی گنجدند که "فرمت تاریخی بررگی" بدست آمده است تا "همبستگی عمیق و ناگسستی" بین ارتش و ملت بوجود آید.

"رنجبر نویسان" نه تنها به ارتش "بغض آلود" نمی نگرند، بلکه آن را "نیروی اساسی" حفاظت از "انقلاب" (کدام "انقلاب" دیگر بماند) نیز میدانند: "امروز چه کسی در مقابل تجاوز عراق که به تخریک یک ابر قدرت است مقاومت میکند؟ چه کسی با شترخسون خود را میهن مقدس انقلابی دفاع میکند؟ ... امروز این نیرو با ارتش جمهوری اسلامی ایران است ... (رنجبر شماره ۳۰، ۱۵۵، مهرماه ۱۳۵۹- تاکیدات از ما است) "رنجبر نویسان" در دفاع از ارتش تا آنجا به پیش میروند که نیروهای مسلح توده ها را به سخره می گیرند: "یک لحظه تصور کنید که شما رقلابی هواداران انحلال ارتش احرا شده بود و فرض کنید که کشور ما تنها سیاه پاسداران و مقداری دسته های مسلح توده مردم را دارا بود در درجه اول ما از نیروی هواپی، دریایی و قوای زرهی و بخش مهمی از قوای موتوریزه و محربه سلاحهای سنگین و

# حزب رنجبران مدافع بی حیره و

## مواجب ارگانها و عمال امپریالیسم آمریکا

### دعوائی حزب توده با

### نیبرالها در این جنگ

### بر سر چیست؟

جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران اگر برای توده های ملت ما ضرورت انجام بررگتر- بی فداکاریها را برای حراست از استقلال و دفاع از استقلال کشور خود مطرح ساخت برای حزب توده و چند گروهک دساله روی آن تنها شرایط جدیدی را برای تبلیغ سیاست وطن فروشانه اشان یعنی تلقین ایمن اندیشه، سخیف که ملت ایران بدون استکاء به ابرقدرتها قادر به ایستادن بر روی پای خود نمی باشد، مطرح کرد. جنگ کنونی که به تحریک ابرقدرتها و دقیقاً برای درهم شکستن مواضع استقلال طلبانه ملت ما تحصیل شده است میدان آزمایش بررگی است که ایران کنونی آمادگی خود را برای ایستادن در برابر زورگویان و قدرتهای سلطه گر جهان و پی نمودن راهی مستقل و جدا از آنها میا ز ما باید، در حالیکه برای نوکرمستان حزب نام برده تنها بازاری برای عرضه مطاع این سلطه گران و اشبات نا توانی ملت ما در برابر قدر قدرتی آنهاست. تنها مسئله فکری این دلالان خوش حظ و حال استعمار این است که چگونه به ملت ستمدیده ما ثابت کند که حفظ استقلال و تلاش برای رهایی از جنگال قدرتهای امپریالیستی جهان در دستهای

جنگ ایران و عراق باعث گردیده تا گروهی بنام "حزب رنجبران" دفاع بی قید و شرط خود را از تمامی ارگانها و عمال امپریالیسم آمریکا تحت لوای "سازره علیه دوا بر قدرت" بد و قبحانه ترین نحوی اعلام دارد. البته این اولین باری نیست که "حزب رنجبران" این چنین دفاعیات بی شرمانه ای از امپریالیسم آمریکا تحت لوای "مبارزه علیه دوا بر قدرت" انجام داده اند، بعنوان مثال در گذشته نیز این آبرو با ختگسان حواسا رتقویت ارتش (البته

ارتش شاهنشاهی (!) در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی نده و در باره "مستقل و ملی بودن" نسبی شاه معدوم شوروی با فی کرده بودند. "حزب رنجبران" که مدافع بی چون و چرای شوروی و روبریونیتی و ضد انقلابی "سه حیان" می باشد، بر اساس این تئوری "صواره خواستار" مبارزه علیه دوا بر قدرت" است، ولی صواره این "مبارزه" بد شدت با فقط سوسیال امپریالیسم شوروی ختم میگردند، آنهم در اتحادیه امپریالیسم آمریکا "حزب رنجبران" بر اساس این تئوری "رسالت دفاع از همه رهای ریز و درشت امپریالیسم، رسالت زده و دن انقلاب از افکار و اذهان مردم، رسالت سازش طبقاتی با اطمینان ترین دشمنان انقلاب ایران، رسالت تبلیغ سازش با همه نوکران و متحدین امپریالیسم آمریکا و خود امپریالیسم آمریکا و... را بر عهده گرفته است.

اطلاعیه شماره ۱۴

## شیوخ مرتجع، جاسوسان ارتش مزدور صدام تکریتی دردم باید اعدام شوند!

شیوخ مرتجع "عرب" در خورستان با تجاوز بیشتر ما... اثر ارمنی به خاک میبند ما، بنا به ماهیت ارتجاعی خویش، بنا به منیت بیمارگونه، خود با انقلاب و آزادی و استقلال میهن، به یاری رجاسوسی این متجاوزین برخاستند. شیوخ مرتجع، هانپاشی که مدست سید احمد مدنی جلاد مسلح تده بودند، جریان با سهای وی سسی نام "حرکت الجما هیر" (حرکت توده) ها (!!) علم گردید و ادعای مالکیت و حکومت در خورستان را کرده اند. این جریان در مناطق دارخوین، شادگان، سوسنگرد و... به جاسوسی و خرابکاری به نفع بعضی های متجاوز مشغولند. این مزدوران اشرا ر بعث شب ها در آبادان به پاسداران و سنگرهای درمندگان انقلابی ایران تیراندازی میکنند و دقیقاً به متابع ستون پنجم امپریالیسم عمل میسازند.

البته "حزب رنجبران" مانند بقیه روبریونیتیها خیلی "موقع شناس" میباشد، و در شرایطی که مردم ایران در مبارزهای سهمگین با امپریالیسم آمریکا بند، جرات نمیکنند که صاف و پوی- ست کننده نظرات خود را بیان کنند، بلکه نظرات مسموم و زهر آکین خود را در پوششی "تکرین" و سگرا و ریبیجیده و به مردم عرضه می نماید. تا کتیک کنونی "حزب رنجبران" برای تبلیغ و "جا انداختن" خط منی ارتجاعی و روبریونیتی خود در دفاع مستقیم از امپریالیسم آمریکا بحکم شرایط موجود در ایران - بلکه دفاع از مواضع ارگانها